

فضائل و کرامات حضرت زهرا (سلام الله علیها)

بسم الله الرحمن الرحيم

فضائل و کرامات حضرت زهرا (سلام الله علیها)

اسماء و القاب آن حضرت

فاطمه زهراء (علیها السلام) دارای نامها و القاب متعددی بودند که هر یک از آنها بیانگر فضیلتی برای او می باشند. اسمهای حضرت عبارتند از:

۱- فاطمه:

درباره وجه تسمیه فاطمه به عنوان نام مبارک بانوی دو عالم (علیها السلام) برگرفته شده از کلام معصوم (علیه السلام) وجوهی چند است:

فاطمه یعنی جدا شده از هر زشتی و بریده شده از هر بدی و باز داشته شده از آلودگی ها، یا ذریه او از آتش فاصله دارند. شفاعت کننده دوستدارانش در قیامت - عجز مردم از شناخت کامل او - فاصله، اسمی مشتق شده از نام پروردگار.

۲- صدیقه:

به معنای زن بسیار راستگو، چون در تمام عمر شریفش هیچ دورگی از او شنیده نشده.

در ضمن گفتاری پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به علی (علیه السلام) می فرمایند: یا علی! خداوند به تو همسری چون دخترم صدیقه هدیه کرده که به من عطا نکرده است. یا عایشه می گوید: من را راستگوتر و صادق تر از فاطمه (علیها السلام) ندیدم.

۳- مبارکه:

یعنی برکت خجسته و میمون، زیرا خداوند در نسل او برکتی قرار داده، که از وجود نازنین او پروردگار نسل رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را در همه جهان گسترش بخشیده است و خداوند ذریه او را مبارک گردانید.

۴- طاهره:

از طهارت است به معنای پاکی از هر نقصی، و پاکیزگی از همه پلیدیها. امام صادق فرمود: مادامی که فاطمه (علیها السلام) زنده بود خداوند سایر زنان را بر علی (علیه السلام) حرام کرده بود، زیرا فاطمه (علیها السلام) پاکیزه بود و حائض نمی شد. آن حضرت حتی در زایمان هم خون نفاس نمی دید.

۵- زکیه:

به معنی پاکیزگی، رشد و نمو. به معنای نمو کننده در کمالات و خیرات، تا جایی که سوره ((هل اتی)) و ((آیه ایثار)) در شأن آنها نازل شد و اخلاق او از هر حیث پاک و تزکیه شده بود و هم چنین رشد و نمو، از لحاظ جسمانی، زیرا گفته اند که آن حضرت پیشتر از کودکان هم سن خود در روزها و هفته ها و ماهها رشد می کرد.

۶- راضیه:

چون در تمام شئون زندگی از خدا و پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و شوهرش راضی بود. با دیدن آن همه سختی از زمان کودکی تا روز شهادت، آنچه که خداوند برایش تدبیر کرده بود راضی بود و حتی یکبار شکایت نکرد.

۷- مرضیه:

اسم مفعول از رضا است. چون خداوند در آخرت آن قدر شفاعت او را بپذیرد که راضی گردد. یا آنکه خدا و رسول خدا و شوهرش از او راضی بودند.

۸- زهراء (علیها السلام):

به معنی درخشنده و نورانی. اینکه چرا فاطمه را زهراء نام نهاده اند بنابر روایات و کلام معصومین (علیها السلام) فاطمه (علیها السلام) از نور یا عظمت پروردگار خلق شده است و نورانیت آسمانها و زمین از نور اوست.

صورت فاطمه (علیها السلام) در هر روز چند بار - وقت نماز صبح و ظهر و شام برای علی (علیه السلام) نور افشانی می کرد و بالاخره فاطمه (علیها السلام) زهراء نامیده شد چون به فرموده امام صادق (علیه السلام): چون هرگاه در محراب عبادت به نیایش مشغول بود برای ملائکه و اهل آسمانها نور افشانی می کرد.

۹- محدثه:

به معنای کسی که معارف الهی را از زبان فرشتگان وحی دریافت کرده و ملائکه با او سخن می گویند. امام صادق (علیه السلام) فرمودند: به درستی که فاطمه (علیها السلام) محدثه نامیده شد، برای آنکه ملائکه پروردگار از آسمان بر او نازل می شدند و او را ندا می دادند، همانطوری که مریم دختر عمران را خطاب می کردند. آنها خطاب به فاطمه (علیها السلام) می گفتند: ای فاطمه

(علیها السلام) خدا تو را برگزیده و پاک ساخته و بر تمام زنان جهان برتری داده است. ای فاطمه (علیها السلام) به شکرانه این نعمت برای پروردگار خود خضوع کن و سجده به جای آور. (۲)

اما لقبهای حضرت:

ایشان دارای لقبهای فراوانی بوده که به بعضی از آنها اشاره می شود:

سیده: بانو

انسیه حوراء: انسان بهشتی

نوریه: موجودی از حقیقت نوری

حانیه: دلسوز فرزندان

سنی آمده است.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

فاطمة بضعة منی، فمن اغضبها اغضبنا فاطمة پاره تن من است، هر کس او را به خشم آورد مرا به خشم آورده است.

و نیز فرموده:

من آذاها فقد آذانی، و من آذانی فقد آذى الله عزوجلهر کس او را اذیت کند مرا اذیت نمود و کسی که مرا اذیت کند خدا را اذیت کرده است.

و بنابر فرموده خداوند در قرآن: کسی که خدا و رسولش را بیازارد مورد لعنت خدا قرار می گیرد.

ان الذين يوذون الله و رسوله لعنهم الله فى الدنيا و الآخرة همانا کسانی که خدا و رسول او را بیازارند خدا آنان را در دنیا و آخرت لعنت کرده است و از رحمت خود دور فرموده است. (۶)

حضرت امام خمینی (رحمة الله علیه) در مورد اهانت کننده به حضرت صدیقه طاهره که روز شنبه هشتم بهمن ۱۳۶۷ از صدای جمهوری اسلامی ایران پخش شده و بعد فرمودند: ((بسمه تعالی، با کمال تأسف و تأثر صدای جمهوری اسلامی مطالبی در مورد الگوی زن پخش کرده است که انسان شرم دارد بازگو نماید، فردی که این مطالب را پخش کرده است تعزیر و اخراج می گردد و دست اندرکاران آن تعزیر خواهند شد و در صورتی که ثابت شود قصد توهین در کار بوده است بلا شک فرد توهین کننده محکوم به اعدام است، اگر بار دیگر از این گونه فضایا تکرار گردد موجب تنبیه و توبیخ و مجازات شدید و جدی مسؤ ولین رده بالای صدا و سیما خواهد شد. البته در تمامی زمینه ها فوه قضائیه اقدام می نماید.))

روح الله الموسوی الخمينی ۹/۱۱/۱۳۶۷

ملاقات فاطمه (علیها السلام) با حوریان بهشتی

سلمان فارسی (رحمة الله علیه) می گوید:

روزی از خانه بیرون آمدم، در حالی که ده روز از رحلت حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) گذشته بود. علی (علیه السلام) را دیدم به من فرمود: ای سلمان! تو پس از رحلت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بر ما جفا نمودی. عرض کردم: ای محبوب من، ای اباالحسن! کسی همچون شما مورد جفا قرار نمی گیرد. بلکه حزن و اندوهم پس از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) باعث شد نتوانم به زیارت شما بیایم. حضرت فرمود: ای سلمان! برو به خانه نزد فاطمه، دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)، زیرا او مشتاق دیدار توست. می خواهد از هدیه ای که از بهشت برایش آورده اند به تو هم بدهد. عرض کردم: آیا مگر پس از حضرت رسول برای آن حضرت از بهشت تحفه و هدیه می رسد؟ فرمود: آری، دیروز رسید.

سلمان فارسی (رحمة الله علیه) می گوید: سراسیمه خود را نزد آن حضرت رساندم و با اجازه زهراء (علیها السلام) وارد خانه شدم، دیدم حضرت نشسته و بر روی خود عباى کوتاهی انداخته است. در پیشگاهش زانوی ادب زدم. آن حضرت به من فرمود:

ای سلمان! بعد از رحلت پدرم به من جفا کردی؟

عرض کردم: ای حبیبه من! آیا من به شما جفا کردم؟ فرمود: پس چه کسی؟ ای سلمان! بنشین و آنچه به تو می گویم، خوب فراگیر!

حضرت فرمود: دیروز همین جا نشسته بودم و در منزل هم بسته بود. در این فکر بودم که با وفات پدرم وحی الهی از ما قاطع شد و از رفت و آمد ملائکه دیگر خبری نیست، بسیار غمگین و محزون بودم. به ناگاه در منزل باز شد و سه دختر وارد شدند که از نظر زیبایی، شادابی و معطر بودن بی مانند بوده و هیچ چشمی به زیبایی آنان ندیده است. از جایم برخاسته و به سوی آنان رفتم. پرسیدم: از زنان مکه هستید یا مدینه؟

گفتند: ای دختر رسول خدا! ما اهل مکه و مدینه نیستیم و نیز از ساکنان زمین نمی باشیم، ما از حوریان بهشتی و مشتاق و دوستدار تو هستیم. خداوند ما را نزد شما فرستاده است.

من از یکی که بزرگتر می نمود پرسیدم: اسم تو چیست؟ جواب داد: ((مقدود)). گفتم: مقدوده چرا؟ گفت من برای مقدار بن اسود کندی صحابی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آفریده شده ام.

از سومی پرسیدم: اسم تو چیست؟ گفت: ((سلمی)). گفتم: به چه مناسبت سلمی نامیده شده ای؟ گفت: من برای زندگی با سلمان فارسی، دوست و خدمتکار پدر تو، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می باشم.

حضرت ادامه داد: سپس حوریان بهشتی خرمایی تازه به من دادند که از مشک خوش بو تر بود. آنگاه حضرت فاطمه (علیها السلام) مقداری از آن خرماها را به من داد و فرمودند: ای سلمان! با این خرما افطار کن و فردا هسته آن را برایم بیاور!

سلمان گوید: من خرما را گرفته از حضورش مرخص شدم. در کوچه های مدینه به طرف منزل می رفتم، به هر کس از اصحاب رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می گذشتم، می پرسید: چه بوی عطر دلنشینی! آیا مشک با خود داری؟ در جواب می گفتم: آری.

در موقع افطار با خرما روزه ام را باز کردم، ولی نه هسته داشت و نه ریگ و نه خاشاکی. روز بعد نزد آن حضرت رفته عرض کردم: من دیروز روزه ام با تحفه و هدیه شما باز کردم ولی هیچ هسته ای نداشت.

حضرت فرمود: ای سلمان! هیچ گاه هسته ای نخواهد داشت، زیرا خرماها از نخلی است که خداوند آن را در دار السلام (بهشت) با کلام و سخنی کاشته است که پدرم حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) به من آموخت و من هر صبح و شام بر آن مواظبت می کنم. (۷)

بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله النور بسم الله نور النور بسم الله نور علی نور بسم الله الذى هو مدير الامور بسم الله الذى خلق النور من النور الحمد لله الذى خلق النور من النور و اءنزل النور علی الطور فى كتاب مسطور فى رق منشور بقدر مقدور علی نبی محبور الحمد لله الذى هو بالعز مذکور و بالفخر مشهور و علی السراء و الضراء مشکور و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطاهرين؛

به نام خدای بخشنده مهربان به نام مبارک خدا که نور عالم است و به نام مبارک خدا که نور نور عالم است و نام مبارک خدا که نور بالای نور عالم است به نام مبارک خدا آن نام که مدیر امور عالم است به نام مبارک خدا آن نام که نور آفرید (یعنی عالم و آدم را از نور خود آفرید) ستایش خدا را که نور (تجلی خود) را بر طور سینا در کتاب مسطور تورات نازل کرد در صحیفه گشوده بقدری که مقدور نمود بر پیغمبر عالم و صالح خود ستایش خدا را که نزد تمام موجودات به عزت مذکور و به فخر و جلالت معروف است و در حال آسایش و سختی باید شکر گزار او بود و درود خدا برسید ما حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت طاهرینش باد.

سلمان گفت: چون این دعا را از آن حضرت آموختم آن را به بیشتر از هزار نفر از اهل مکه و مدینه که مبتلا به تب بودند آموختم، به خدا قسم همه آنها به اذن خدای تعالی شفا یافتند.

چادر بانوی زنان جهان

از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت شده است که فرمود:

هنگامی که خداوند خلایق از اولین و آخرین را مبعوث گرداند، منادی پروردگاران از زیر عرش خداوند صدا می زند: ای گروه خلایق، دیدگاه خود را ببندید که فاطمه (علیها السلام) دختر محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و بانوی زنان جهانیان از صراط بگذرد! هیچ کس در صحنه قیامت نیست مگر آنکه چشمانش را می بندد، به جز محمد، علی، حسن، حسین و فرزندان پاک آنان (علیه السلام) چرا که فرزندان آن حضرتند. هنگامی که وارد صحرای محشر می شود، دنباله چادرش بر روی صراط کشیده می شود، یک سر آن در بهشت است و دست خود آن حضرت است و سر دیگرش در عرصه قیامت است.

منادی پروردگاران صدا می زند:

ای دوستداران فاطمه! به گوشه های چادر بانوی زنان جهانیان چنگ زنید! و کسی از دوستداران حضرت باقی نمی ماند مگر اینکه به گوشه ای از اطراف چادر آن حضرت باقی نمی ماند مگر اینکه به گوشه ای از اطراف چادر آن حضرت چسبیده است تا اینکه بیش از هزار فنام و هزار فنام به آن چنگ می زنند و می چسبند. گفتند: یک فنام چقدر است؟ فرمود: هزار هزار که به وسیله آن حضرت از آتش نجات می یابند. (۸)

توقف فاطمه (علیها السلام) در مدخل جهنم

از محمد بن مسلم روایت شده که گویند: از حضرت باقر (علیه السلام) شنیدم که می فرمود: حضرت زهراء (علیها السلام) در مدخل جهنم توقفی ویژه می نماید. در روز قیامت بر پیشانی هر کس ((مؤمن یا کافر)) نوشته شده است. به کسانی که گناهان زیادی انجام داده اند دستور داده می شود که وارد آتش جهنم شوند.

فاطمه زهراء (علیها السلام) بین دو چشم او می خواند که وی ((دوستدار اهل بیت)) است. آنگاه می گوید: ای خدا و ای مولای من! تو مرا فاطمه نامیدی و به وسیله من آن کس را که من و ذریه ام را دوست می دارد، از آتش جدا می سازی، و وعده تو راست است و تو از نویدی که داده ای تخلف نمی کنی.

خداوند متعال می فرماید: راست می گویی ای فاطمه! من تو را فاطمه نامیده و به وسیله تو، کسی که تو را دوست داشته باشد و به ولایت پذیرفته، و ذریه تو را دوست داشته و به ولایت پذیرفته باشد، از آتش نجات می دهد. وعده من حق است و از آن تخلف نمی کنم هر کس را که بر پیشانی او بخوانی که مؤمن است، دستش را بگیر و به بهشت واردش ساز. (۹)

سخن گفتن با جبرئیل

امام خمینی (رحمة الله علیه) در یکی از بیانات خود، در ایام شهادت حضرت زهراء (علیها السلام) و در ملاقات با زنان می فرماید: ((مساءله آمدن جبرئیل برای کسی یک مسئله ساده نیست، خیال نشود که جبرئیل برای هر کس می آید و امکان دارد بیاید، این یک تناسب لازم است بین روح آن کسی که جبرئیل می خواهد بیاید و مقام جبرئیل که روح اعظم است... و این تناسب بین جبرئیل که روح اعظم است و انبیاء درجه اول بوده است.

مثل رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و موسی و عیسی و ابراهیم و امثال اینها، بین همه کس نبوده است. بعد از این هم بین کسی دیگر نشده است. حتی درباره ائمه (علیها السلام) هم من ندیده ام که وارد شده باشد، این طور که جبرئیل به آنها نازل شده باشد فقط این که برای حضرت زهراء (علیها السلام) است که من ندیده ام که جبرئیل به طور مکرر در این هفتاد و پنج روز وارد می شده و مسائل آینده ای که بر ذریه او می گذشته است این مسائل را می گفته است و حضرت امیر هم ثبت می کرده است... در هر صورت من این شرافت و فضیلت را از همه فضائلی بزرگ است - این فضیلت را من بالاتر از همه می دانم که برای غیر انبیاء (علیه السلام) آن هم نه همه انبیاء برای طبقه بالای انبیاء که در رتبه آنهاست، برای کسی دیگر حاضر نشده و با این تعبیری که مراد شده است جبرئیل در این هفتاد و چند روز، برای هیچ کس تا کنون واقع نشده و این از فضائلی است که از مختصات حضرت صدیقه (علیها السلام) است. (۱۰)

فاطمه و اهل بیت (علیه السلام) در کشتی نوح

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: هنگامی که خداوند متعال اراده فرمود که قوم نوح را نابود کند، به او دستور داد تا درخت ساج را قطع کند، بعد جبرائیل فرود آمد و شکل کشتی را به او نشان داد و صندوقچه ای که در آن صد و بیست و نه هزار میخ در آن بود برایش آورد. نوح غیر از پنج میخ تمام آنها را در آن کشتی به کار گرفت.

وقتی که دستش را به یکی از آن پنج میخ زد، آن میخ در دست او همچون ستاره ای نورانی تابید. نوح متحیر و شگفت زده شد. خداوند آن میخ را به زبان فصیح و گویا به نطق آورد و گفت: من به نام بهترین پیامبران ((حضرت محمد (الله علیه و آله و سلم))) می باشم. جبرائیل نزد او آمد، نوح به او گفت: ای جبرائیل این چه میخی است که تا کنون چیزی شبیه به آن ندیده ام؟

گفت: این میخ به نام ((محمد (صلی الله علیه و آله و سلم))) بهترین انسانها از اولین تا آخرین می باشد. آن را در جلوی راست کشتی به کار گرفت. بعد دستش را به میخ دوم زد، نوری از آن درخشید و اطراف را روشن کرد. نوح پرسید: این میخ چیست؟

جبرائیل پاسخ داد: میخ برادر و پسر عمویش علی (علیه السلام) است. آن میخ را در قسمت جلو سمت چپ کشتی کوبید. بعد دستش را به میخ سوم زد، آن نیز درخشید و اطراف را روشن کرد، جبرائیل گفت: این میخ فاطمه (علیها السلام) است. آن را در کنار میخ پدرش کوبید.

بعد دستش را به میخ چهارم زد آن نیز درخشید و اطراف را روشن کرد. جبرائیل به او گفت: این میخ حسن (علیه السلام) است. آن را در کنار میخ پدرش علی (علیه السلام) کوبید. بعد دستش را به میخ پنجم زد، نوری درخشید و صدای گریه بلند شد و نمناک گشت، نوح پرسید: ای جبرائیل! این نم و تری چیست؟

پاسخ داد: این میخ حسین سیدالشهدا (علیه السلام) است. آن را در کنار میخ برادرش کوبید. آنگاه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: خداوند متعال فرموده است.

و حملناه علی ذات الواح و دسر؛ او را بر چوبها و میخها سوار کردیم).

میخهای آن ما هستیم و اگر ما نبودیم کشتی، ساکنانش را حرکت نمی داد. (۱۱)

فاطمه سبب سجده ملائکه بر آدم

ابوسعید خدری می گوید: در خدمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نشسته بودیم که مردی از راه رسید و از حضرت درخواست کرد تا درباره قول خداوند: ((استکبرت ام کنت من العالین)) (۱۲) توضیح داده و بفرماید اینان چه کسانی هستند که حتی از ملائکه مقربین برتر و والاترند؟

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: منظور از آنان من، علی فاطمه، حسن و حسین می باشیم که در سراق عرش، دو هزار سال پیش از خلقت آدم، خداوند را تسبیح می کردیم، و ملائکه با تسبیح ما تسبیح می کردند. هنگامی که خداوند آدم را آفرید به ملائکه دستور فرمود که بر او سجده کنند، پس ملائکه مأمور به سجده نشده بودند مگر به خاطر وجود ما. همه فرشتگان به امر خداوند سر اطاعت نهادند مگر ابلیس که نافرمانی کرد و از سجده کردن امتناع ورزید. خداوند متعال به او فرمود: ((ای ابلیس! چه چیز تو را بازداشت از اینکه بر آنچه که من با دست قدرت خود آفریدم سجده کنی؟ آیا استکبار ورزیدی یا از موجودات عالی و برتر بودی؟)) یعنی از این پنج تن که اسامی آنان در سراق عرش نوشته شده است.

پس رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: ما هستیم آن باب خدایی که از آن در وارد می شوند و هدایت یافتگان به وسیله ما هدایت می گردند. هر کس ما را دوست داشته باشد خداوند او را دوست داشته و به بهشت خود واردش می سازد و هر کس با ما دشمنی کند خداوند او را دشمن داشته و به آتش داخل می کند. دوست ندارد ما را مگر کسی که در دامان پاک و پاکیزه زاده شده باشد. (۱۳)

حضرت فاطمه (علیها السلام) در آیه مباهله

در کتاب بحارالانوار مرحوم مجلسی (رضوان الله تعالی علیه) به نقل از امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) آمده است: گروهی از نصاری نجران پیش رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آمدند که سه تن از آنان جزء بزرگان و دو تن از مشاهیر یهود بودند. آنها آمده بودند تا رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را بیازمایند. پس از سؤال و جوابهایی که با پیامبر داشتند، نصاری پیرامون حضرت مسیح (علیه السلام) سؤال کردند. اسقف که یکی از بزرگان آنان بود پرسید: پدر عیسی که بود؟ پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ساکت شدند. جبرئیل فرود آمد و گفت: او روح خدا و کلمه او بود. اسقف گفت: آیا روح بدون بدن می شود؟ پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ساکت ماندند، در این هنگام وحی الهی نازل شد: ان مثل عیسی عندالله کمثل آدم خلقه من تراب ثم قال له کن فیکون (۱۴)

این جواب که حضرت عیسی از خاک است بر اسقف گران آمد. سپس گفت: ای محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)! این مطلب را به در تورات و نه در انجیل و نه در زبور یافته ایم، مطلبی است که فقط تو می گویی. پس خداوند وحی فرمود: فقل تعالوا ندع ابنائنا و ابنائکم و نساءنا و نساءکم و انفسنا و انفسکم ثم نبتهل فنجعل لعنة الله علی الکاذبین. (۱۵) پس اسقف و همراهان گفتند. وقت مباهله را معین نما پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: انشاء الله فردا صبح صبح پس از نماز رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) دست علی (علیه السلام) را گرفت و او را پیش خود قرار داد و فاطمه (علیها السلام) را از پشت سر و حسن و حسین (علیه السلام) را در سمت راست و چپ خود قرار داد و به آنان فرمود: وقتی که من دعا کردم شما آمین بگوئید. آنگاه به حالت دعا زانو بر زمین نهادند.

وقتی که مسیحیان این حالت و افراد را مشاهده کردند پشیمان گشته و گفتند: سوگند به خدا که او پیامبر است. یا به عبارتی اسقف نجران (۱۶) گفت: ای گروه و جماعت نصاری! من چهره هایی می بینم که اگر از خدا بخواهند کوه را نابود کند حتما آن را نابود خواهد ساخت. پس آمدند در برابر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نشستند و گفته: ای ابوالقاسم! ما را از مباهله معاف دار. پیامبر فرمود: بسیار خوب، ولی به شما می گویم که اگر با شما مباهله می کردم روی زمین حتی یک نصرانی باقی نمی ماند مگر آنکه هلاک می شد. (۱۷)

ویژگیهای خاص حضرت فاطمه (علیها السلام)

حضرت فاطمه زهراء (علیها السلام) در زندگی خود دارای ویژگی خاصی بودند. از ابتدای خلقت تا پایان عمر، که عبارتند از:

۱ - اولین ویژگی آن حضرت خلقت آن حضرت است از نور خدا امام صادق (علیه السلام) از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت می کنند که: خداوند عز و جل فاطمه (علیها السلام) را از نور خود خلق کرد قبل از آنکه آدم را بیافریند. و نام فاطمه مشتق شده از نام خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دستور می دهد که چه روز در خلوت، شبها به عبادت و روزها را روزه داری کند و بعد از اتمام این مدت برای او طعام بهشتی می فرستد.

۲ - یکی دیگر از ویژگیهای منحصر به فرد صدیقه طاهره (علیها السلام)، تکلم کردن او در رحم با مادر عزیزش بود که او را در سختیهای تسلی می داد.

۳ - سومین ویژگی آن حضرت اینکه: به هنگام تولدش برترین زنان قابله اش بودند و بعد از تولد نور وجودش تمام خانه های مکه را روشن کرد و او را با آب کوثر شستشو دادند و او لب به سخن گشود که خدایی جز الله نیست و پدرم پیامبر خدا و شوهرم جانشین او و فرزندانم امامان بعد از او هستند.

هم چنین در روایت آمده است که حورالعین و بهشتیان یکدیگر را در ولادت آن حضرت بشارت دادند و جشن میلاد گرفتند.

- ۴ - رشد و نمو آن حضرت: امام صادق (علیه السلام) فرمود: فاطمه (علیها السلام) رشد جسمی خود را آغاز نمود به طوری که در هر روز به اندازه یک هفته و در هر هفته به اندازه یک ماه و در هر ماه به اندازه یک سال کودکان هم سن خود رشد می نمود.
- ۵ - ازدواج آسمانی: عقد او در آسمانها بسته شد، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به علی (علیه السلام) فرمود: که یا علی عده ای از مردم مرا در مورد ازدواج فاطمه سرزنش کرده و گفتند: او را به مرد فقیری دادی، به آنان گفتم: من او را به همسری علی (علیه السلام) در نیاوردم، بلکه خداوند واسطه این ازدواج بود، همانا خداوند می فرماید: اگر علی (علیه السلام) را نیافریده بودم برای دخترت فاطمه بر روی زمین از آدم تا کنون کفو و همتابی نبود.
- ۶ - مهریه آسمانی: از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در مورد مهریه فاطمه در آسمان سؤال شد. حضرت فرمود: مهریه اش در آسمان خمس زمین است و هر کس در آن راه رود و نسبت به او و شوهرش و فرزندانش کینه داشته باشد. تا روز قیامت به صورت حرام بر آن راه برفته است.
- ۷ - او اولین زن طاهره بود. فاطمه زهراء (علیها السلام) از همه آلودگیها و پلیدیها پاک بود و هرگز خون حیض و نفاس ندید و تا زنده بود خداوند زنان دیگر را بر علی (علیه السلام) حرام کرده بود.
- ۸ - عصمت فاطمه (علیها السلام): او تنها زن معصوم اسلام است که آیه قرآن درباره او و اهل بیت (علیه السلام) نازل شده است.

انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهر کم تطهیرا (۱۸)

در معصوم بودن او همین بس که خداوند بواسطه خشم او خشمگین و به واسطه رضای او راضی می شود.

- ۹ - فرشتگان خدمتکار فاطمه (علیها السلام): روایت شده است که آن حضرت گاهی در نماز بود و فرزندش گریه می کرد و مشاهده که فرشتگان گهواره اش را حرکت می دادند و یا اینکه آسیای دستی آن حضرت را می چرخاندند.
- ۱۰ - محدثه بود: یعنی با فرشتگان صحبت می کرد. بعد از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرشتگان الهی بر او فرود می آمدند و با او صحبت می کردند و مصحف را بر او نازل کردند.
- امام صادق (علیه السلام) فرمود: فاطمه زهراء (علیها السلام) را محدثه نامیده اند، زیرا که فرشتگان آسمان فرود آمده و با ایشان گفتگو کردند همانگونه که مریم دختر عمران را مورد ندا قرار داده اند. فرشتگان آسمانی به فاطمه زهراء (علیها السلام) گفتند: ای فاطمه! خدا تو را انتخاب کرده و پاک نموده و بر زنان عالم و برتری بخشیده است. (۱۹)
- ۱۱ - اولین شخصی که بعد از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) وارد بهشت می شود.
- ۱۲ - پنهانی بودن قبرش بعد از ۱۴۰۰ سال. این از ویژگیهای خاص آن حضرت می باشد.

محبوبیت نام فاطمه (علیها السلام) در نزد ائمه (علیه السلام)

این نام مقدس یعنی ((فاطمه)) نزد اهل بیت (علیه السلام) بسیار دوست داشتنی و محبوب بود آنان این نام را گرمای می داشتند و هر کس را که به این نام نامیده می شد احترام می نمودند.

((امام صادق (علیه السلام) از یکی از یارانش که خدا به وی دختری عنایت فرموده بود، سؤال کردند: او را چه نام نهاده ای؟ عرض کرد: فاطمه اش نام نهاده ام. حضرت فرمودند: فاطمه! درود خدا بر فاطمه باد.

پس بدان چون این نام را بر او نهاده ای مواظب باش سیلی بر صورتش زنی و به او بد نگویی و گرامیش بداری.

همچنین در وسائل الشیعه از سکونی نقل شده است که:

بر امام صادق (علیه السلام) وارد شدم در حالی که گرفته و افسرده بودم. سؤال فرمودند: ای سکونی چه غمی داری؟ عرض کردم: دختری برایم به دنیا آمد. فرمودند: او را چه نامیده ای؟ عرض کردم: فاطمه. فرمودند: آه، آه، آه، سپس اضافه کردند: بدان اگر او را فاطمه نام نهاده ای، لعن و دشنام مده و او را مزین. از امام کاظم (علیه السلام) نقل شده است که:

((فقر در خانه ای که نام محمد و فاطمه در آن باشد وارد نمی شود)). (۲۰)

نور افشانی حضرت زهراء (علیها السلام)

ابان بن تغلب نقل می کند که به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: ای پسر رسول خدا! چرا فاطمه دختر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) زهراء نامیده شد.

آن حضرت فرمودند: برای اینکه فاطمه (علیها السلام) درخشان می شد برای علی (علیه السلام) در هر روز سه مرتبه، با نوری که در حین نماز از صورتش درخشان می شد.

وقت نماز صبح هنگامی که مردم در خانه ها بسر می بردند، سفیدی آن نور به خانه های مدینه داخل می شد به طوری که اطافه ایشان سفید می شد. مردم از این موضوع تعجب می کردند، به نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) رفته و از آنچه اتفاق افتاده بود از حضرت سؤال می کردند. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آنها را به طرف منزل فاطمه (علیها السلام) می فرستاد. آنها به منزل حضرت فاطمه می فرستادند، حضرت را در حالی می دیدند که در محرابش به نماز ایستاده و نور از محراب عبادتش ساطع می شود و آن نور از صورت حضرت زهراء (علیها السلام) پخش می شود. بنابر این می فهمیدند نوری که به خانه هایشان داخل شده، از نور آن حضرت است.

پس از آن هنگامی که روز به نیمه می رسید و فاطمه مشغول نماز ظهر می شد از صورتش نور زردی ساطع می شد. این نور به حدی بود که زردی آن داخل خانه های مدینه می شد، به گونه ای که لباسها و رنگ رخسار آنها را زرد می کرد. آنها دوباره خدمت پیامبر رفته و از ایشان درباره این نور پرسش می کردند و حضرت مجددا آنها را به خانه حضرت فاطمه می فرستاد و آنها حضرت را در محراب عبادت می دیدند در حالی که نور صورتش پرتو افشانی می کرد. چون روز به پایان می رسید و خورشید غروب می کرد صورت فاطمه (علیها السلام) از شادی و شکرگذاری پروردگار سرخ شده و پرتو افشانی می کرد و سرخی صورتش خانه های مردم را سرخ می کرد. آنها دوباره نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می آمدند و از این موضوع سؤال می کردند و حضرت آنها را به خانه دخترش رهنمون می ساخت. آنها پس از ورود به منزل فاطمه (علیها السلام) می دیدند که آن حضرت نشسته و به تسبیح و تمجید خدای متعال مشغول است و نور از صورت مبارکش پرتو افشانی می کند. سپس می دانستند که آنچه اتفاق می افتاده، از نور صورت فاطمه (علیها السلام) بوده است.

فاطمه نور خدائی داشتست

در دلش مهر خدایی کاشتست

نور او نور محمد نور حق

زین سبب نامیم او را حور حق
یک زمان وقت نماز صبح بود

موقع راز و نیاز صبح بود
نوری از وجه جمیلش شد نمود

جمله اجزاء هستی سبزگون
گفت ای پیغمبر که این نور جلی

از جبین دخترم شد منجلی
دخترم نور خدا بودست و هست

از شما مردم جدا بودست و هست

دخترم، طاهره مطهره است

از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) راجع به کلمه بتول سؤال کردند. عرض کردند: یا رسول الله! از شما شنیده ایم مریم بتول است و فاطمه نیز بتول است. فرمودند: بتول کسی است که هرگز خون ندیده، چون که خون ریزی ماهانه در دختران انبیاء ناپسند است.

اسماء بنت عمیس می گوید: در فاطمه (علیها السلام) خون حیض ندیدم و به هنگامی که حصن (علیه السلام) را به دنیا آورد از خون نفاس عاری بود. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: آیا نمی دانی که دخترم طاهره و مطهره است و در او به هنگام حیض و زایمان خون دیده نمی شود.

هم چنین امام صادق (علیه السلام) می فرمایند: خدای متعال تا زمانی که فاطمه زهراء در قید حیات بودند دیگر زنان را بر علی (علیه السلام) حرام فرمودند بود. سؤال شد، چرا یا بن رسول الله؟ فرمودند: زیرا که او طاهره ای بود که هیچگاه حائض نمی گردید. (۲۱)

انگشتر دنیایی یا تخت بهشتی؟

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) از هر فرصتی برای تربیت جسمی و روحی فاطمه (علیها السلام) استفاده می کرد تا از او دختری نمونه، همسری نمونه و مادری نمونه بسازد، تا الگویی دیگران باشد. این شهر آشوب نقل می کند:

روزی حضرت فاطمه (علیها السلام) از پدرش رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) تقاضای انگشتری نمود، پیغمبر به او فرمود: می خواهی چیزی به تو یاد دهم که از انگشتر بهتر باشد؟ سپس به او فرمود: هرگاه نماز شب خود را خواندی از خدا بخواه که به حاجت خود می رسی!

فاطمه (علیها السلام) به دستور پدر این کار را انجام داد. هاتفی او را ندا داد: ای فاطمه (علیها السلام)! آنچه را خواسته ای در زیر ((مصلی)) و جای نماز تو است. فاطمه حای نماز را بلند کرد، زیر آن انگشتر یاقوتی را که به قیمت در نمی آمد مشاهده نمود. آن را بر داشته به انگشتر کرد و مسرور شد.

چون شب شد در خواب دید گویا در بهشت است و سه قصر را مشاهده کرد که مانند آنها در بهشت نبود، پرسید: این قصرها از آن کیست؟ گفتند: فاطمه دختر محمد (صلی الله علیه و آله و سلم). فاطمه (علیها السلام) داخل یکی از آن قصرها شد و گردش کرد. تختی در آنجا دید که سه پایه داشت. پرسید: این تخت چرا سه پایه دارد؟ گفتند: چون صاحب این تخت از خدا انگشتری در خواست کرده، به همین جهت یکی از پایه های این تخت را برداشته و برای او انگشتر درست کرده و به او داده اند و از این جهت این تخت روی همین سه پایه مانده است. فاطمه (علیها السلام) از خواب بیدار شد. چون صبح شد، پیش پدر آمد و خوابی را که دیده بود برای پدر تعریف کرد. حضرت به او فرمود: دنیا از آن شما نیست و آخرت بهره شما است و وعده گاه شما بهشت خواهد بود، شما را با دنیای فانی و پر از فریب کاری نیست. سپس به او دستور داد که به همان ترتیب انگشتر را زیر ((مصلی)) و جانماز خود بگذارد. فاطمه (علیها السلام) طبق دستور پدر عمل کرد. شب در خواب بهشت را دید و داخل همان قصر شده و آن تخت را مشاهده کرد که روی چهار پایه است و چون علت را پرسید گفتند: انگشتر برگشت و تخت به حال نخستین روی چهار پایه استوار گردید. (۲۲)

عالم صدف است و فاطمه گوهر اوست

گیتی عرض است و این گوهر جوهر اوست
در قدر و شرافتش همین بس که ز خلق

احمد پدر است و مرتضی شوهر اوست

پوشش در مقابل مرد نابینا

از علی بن الحسین امام سجاد (علیه السلام) نقل شده است که فرمود:
مردی کوری از فاطمه زهراء (علیها السلام) اجازه خواست که به خانه آن حضرت وارد شود. حضرت فاطمه (علیها السلام) خود را

از وی پوشانید. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با دیدن این منظره فرمودند: چرا خود را از او پوشاندی و حال آنکه او تو را نمی بیند. حضرت پاسخ دادند: اگر او مرا نمی بیند من که او را می بینم، و به علاوه شامه او بوی مرا استشمام می نماید. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: شهادت می دهم که تو پاره تن من هستی! (۲۳)

شفاعت فاطمه (علیها السلام) از گریه کنندگان حسین (علیه السلام)

روایت شده است هنگامی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به دخترش از کشته شدن فرزندش حسین (علیه السلام) و مصائب آن حضرت خبر داد، فاطمه (علیها السلام) بسیار گریست و گفت: پدرجان! این حادثه چه وقت اتفاق خواهد افتاد؟ فرمود: هنگامی که من و تو و علی نباشیم.

گریه حضرت فاطمه (علیها السلام) شدت یافت و گفت: پدرجان! پس چه کسی بر او گره می کند و چه کسی عزای او را بر پای می دارد؟ حضرت فرمود: ای فاطمه! زنان امت من بر زنهای اهل بیتم و مردانشان بر مردان اهل بیتم گریه خواهند کرد و نسلی پس از نسل دیگر هر سال عزاداری را تجدید می کنند. روز قیامت که بر پا می شود، تو شفیع زنان می شوی و من شفیع مردان و هر یک از آنان که بر مصیبت حسین (علیه السلام) گریه کنند دستش را می گیریم و او را به بهشت وارد می نمایم. ای فاطمه! در روز قیامت همه چشمها گریانند به جز چشمی که بر مصیبت حسین (علیه السلام) گریه کرده باشد. (۲۴)

وجه نامگذاری فاطمه (علیها السلام)

امام صادق (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل می کنند که: پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به علی (علیه السلام) فرمودند: آیا مردانی فاطمه (علیها السلام) چرا به این نام نامیده شده است؟ علی (علیه السلام) عرض کردند: نه یا رسول الله. رسول مکرم فرمودند: زیرا که آتش بر وی و شیعیانش ممنوع گردیده است.

همچون حضرت رضا (علیه السلام) چنین فرمودند: شنیدم رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمودند: فاطمه را فاطمه نامیده اند، زیرا که خدای تبارک و تعالی وی و فرزندانش را از آتش باز داشته و بر کنار داشته اند. البته آن فرزندی از ایشان که خدا را ملاقات کنند در حالی که ایمان به پروردگار داشته و بر آنچه نیز که بر من نازل گردیده اعتقاد داشته باشند. (۲۵)

نزدیکترین حالات زن

روزی رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) از اصحابش سؤال فرمود: زن چیست؟ گفتند عورت (به معنای شرم و حیا) است. حضرت فرمود: در چه زمان و چه حالتی او نزدیکتر به پروردگار خود می باشد؟ اصحاب جواب این سؤال را ندانستند. هنگامی که حضرت فاطمه (علیها السلام) این مطلب را شنید، فرمود: نزدیکترین حالت او به پروردگارش زمانی است که در اندرون خانه اش به سر می برد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: همانا فاطمه پاره تن من است. (۲۶)

فاطمه (علیها السلام) مصداق آیات قرآن

بر اساس روایاتی که مورد قبول و اتفاق شیعه و سنی است حضرت فاطمه (علیها السلام) مصداق آیات متعددی از قرآن است که از آن جمله:

۱ - مصداق خیر کثیر: خدای متعال در قرآن او را کوثر یا خیر کثیر نامید.
انا اعطیناک الکوثر... (۲۷).

اساس نزول آن، سخن مشرکان در مورد پیامبر بود که خداوند پیامبر را به خیر کثیر از نسل فاطمه بشارت می دهد و شماتت کنندگان پیامبر را ابتر می نامد.

۲ - مصداق آیه قدر: امام صادق (علیه السلام) در تفسیر و معنی آیه ((انا انزلناه فی الیلة القدر)) (۲۸)

فاطمه (علیها السلام) را معنی آن دانسته و مصداق کسی می داند که در شب قدر نازل شده است.

۳ - مصداق آیه ((نساءنا)) در داستان مباحله که بین پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و مسیحیان نجران پدید آمد، پیامبر از میان زنان و اقوام فقط حضرت فاطمه (علیها السلام) را مصداق آیه ((نساءنا)) قرار داد و بقیه را خارج کرد.

۴ - مصداق آیه تطهیر:

انما یرید الله الیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا. (۲۹)

این آیه در مورد پیامبر و علی و فاطمه و حسن و حسین (علیه السلام) نازل شد. بعد از نزول آیه - به گفته انس بن مالک - پیامبر شش ماه یا به روایتی تا آخر عمر شریفش هنگام طلوع فجر از خانه بیرون می آمد و رهسپار مسجد می شد و مرتب در آن هنگام مقابل در خانه فاطمه (علیها السلام) می ایستاد و می فرمود: اهل بیت من! به یاد نماز باشید خداوند می خواهد از شما اهل بیت هرگونه پلیدی را دور کند. (۳۰)

۵ - مصداق آیه ذی ج:

قل الا اساءلکم علیه اجرا الا المودة فی القری. (۳۱)

فاطمه (علیها السلام) از نظر خویشاوندی نزدیکترین ذی القربایی است که در قرآن مودت او در خواست شده است. این فاطمه است که خون پیامبر در رگهای او جاری است و بضعه رسول و پاره تن رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) است.

۶ - مصداق آیه ایثار و اطعام:

و یوثررون علی انفسهم و لو کان بهم خصاصة (۲۶۲)

و مصداق آیه

و یطعمون الطعام علی حبه مسکینا و یتیمنا و اسیرا. (۳۳)

فاطمه است که به همراه علی و فرزندان و فضه افطاری خود را در راه خدا دادند و با آن روزه خود را افطار کردند. و این عمل شایسته سه روز پی در پی ادامه یافت.

۷ - مصداق آیه اهل بیت: (۳۴) فاطمه (علیها السلام) مصداق کامل اهل بیت رسول خداست که در دامان وحی پرورش یافته، و کاملترین افراد و عزیزترین آنها در نزد رسول خداست. در حدیث کساء می خوانیم که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) کسانی خود را روی فاطمه علی و حسن و حسین (علیه السلام) انداخت و فرمود: خدایا اینان اهل بیت و خاندان من هستند و به ام سلمه فرمود: تو به خیر و نیکی هستی ولی از اهل بیت من نیستی.

۸ - مصداق آیه:

لن تنالوا البر حتی تنقوا مما تحبون. (۳۵)

این آیه اشاره به هدیه دادن آن حضرت در شب عروسی است. که در شب عروسی فقیری از آن حضرت درخواست لباس کهنه ای کرد که آن حضرت لباس نو خود را به آن فقیر هدیه داد.

۹ - مصداق آیه:

((مرج البحرین یتفیان...)) (۳۶)

که این آیه در امر ازدواج فاطمه و علی (علیه السلام) است که ثمره این ازدواج لؤلؤ و مرجان یعنی امام حسن و امام حسین (علیه السلام) هستند.

۱۰ - مصداق آیه: ((ذریاتنا)) در تفسیر آیه

ربنا هب لنا من ازواجنا ذریاتنا قره اعین و اجعلنا للمتقین اماما (۳۷)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) از جبرئیل درباره کلمات ((ازواج و ذریه و قره عین و اماما پرسید. جبرئیل گفت: مصداق ازواجنا، ((خدیجه)) و مصداق ذریه ((فاطمه)) و ((حسن و حسین)) قره عین و علی (علیه السلام) را مصداق ((امام)) ذکر کرد.

۱۱ - مصداق آیه:

((تتجافی جنوبهم عن...)) (۳۸)

می نویسند این آیه در شب زفاف فاطمه (علیها السلام) نازل شده است.

فاطمه (علیها السلام)، نخستین کسی که وارد بهشت می شود

در ضمن حدیثی طولانی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده که فرمود: ای فاطمه! سوگند به آن کسی که مرا به راستی مبعوث کرد، ورود در بهشت بر همه آفریدگان حرام است تا اینکه من داخل آن شوم، و تو نخستین کسی هستی که پس از من وارد بهشت می شوی، در حالی که زیوری پوشیده و برخوردار از نعمت، و خوشحالی.

ای فاطمه گوارایت باد! سوگند به آن کسی که مرا به حق مبعوث کرد، تو بانوی زنان هستی که وارد بهشت می شونی. سوگند به آن کسی که مرا به راستی مبعوث فرمود، همانا دوزخ چنان فریادی بر می آورد که هیچ فرشته مقرب و پیامبر مرسل باقی نمی ماند مگر آنکه از هوش می رود. پس به او خطاب می شود: ای دوزخ! خداوند جبار به تو می گوید: به عزت من، آرام باش و در جای خود آرام بگیر، تا اینکه فاطمه (علیها السلام) دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به سوی بهشت برود، هر آینه حسن و حسین (علیه السلام) با تو داخل می شوند. حسن (علیه السلام) در سمت راست و حسین (علیه السلام) در سمت چپ تو، و تو از بالاترین نقطه بهشت در پیشگاه پروردگار، بر دیگران اشراف داری.

ای فاطمه! من به دشمنی و حکومت با دشمنان، تو به پا می خیزم و آنان که حق تو را گرفتند و رشته دوستی با تو را بریده و بر من دروغ بستند، پشیمان خواهند شد و در مقابل من به زمین کشانیده می شوند و من می گویم: پروردگارا، امت من، امت من! و گفته می شود: آنان بعد از تو کلام حق را تبدیل و تحریف نمودند. سپس آنان را به سوی دوزخ می برند. (۳۹)

آنچه خوبان همه دارند...

در احادیث معتبر از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده که فرمودند: خداوند در پیامبران بوی ((به)) بهشتی قرار داده، و در حورالعین بوی گل ((یاس)) بهشتی، و در ملائکه بوی گل ((سرخ)) بهشتی، و در دخترم زهراء (علیها السلام) هر سه بوی را جمع فرموده است. در جای دیگر فرمودند:

خداوند هیچ پیامبر و امامی را مبعوث نکرده مگر آنکه از او بوی ((به)) استشمام می شده است. پس ((به)) بخورید و به همسرانتان نیز بخورائید تا فرزندانان خوش بو و خوش سیرت شوند. (۴۰)

ای آدم! اگر آنها نبودند تو را خلق نمی کردم

ابوهریره از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت کرده است که آن حضرت فرمود: هنگامی که خدای متعال آدم ابوالبشر را آفرید و از روح خود در او دمید، آدم به جانب راست عرش نظر کرد، آنجا پنج شبخ عرقه در نور که در حال سجود و رکوع بودند مشاهده کرد. به درگاه پروردگار عرضه داشت: خداوند! آیا پیش از آفریدن من کسی را از خاک آفریده ای؟ خدای متعال فرمود: نه خلق نکرده ام.

آدم عرض کرد: پس این پنج شبخ که آنها را در هیئت و شکل خود می بینم چه کسانی هستند؟

خداوند فرمود: این پنج تن، از نسل تو هستند که عبارتند از محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین (علیه السلام) که اگر آنها نبودند تو را نمی آفریدم. اگر این پنج تن نبودند بهشت و دوزخ، عرش و کرسی و آسمان و زمین و فرشتگان و انسن و جن را خلق نمی کردم. (۴۱)

فاطمه (علیها السلام) نور آسمان و زمین

در شب معراج رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) از درخت طوبی سیبی گرفت و به دو نیم کرد، از وسط آن سیب نوری ظاهر شد، پیغمبر از جبرئیل پرسید: این نور چیست؟ عرض کرد: نور منصوره خدا در آسمان و فاطمه (علیها السلام) در زمین! رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: چرا در آسمان منصوره است؟ عرض کرد: چون باری کرده خدایت در روز قیامت و در شفاعت، پس پیغمبر آن سیب را میل فرمودند، و ماده نطفه زهراء (علیها السلام) از آن سیب منعقد شد. (۴۲)

این بانو کیست؟

جابر بن عبدالله از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل می کند: وقتی که خداوند آدم و حوا را خلق فرمود آن دو در بهشت از نعمتهای خداوند لذت می بردند و می گفتند: از ما زیباتر کیست؟ در این گفتگوها بودند که دختری را مشاهده نمودند که هرگز مانند وی را ندیده بودند، زیرا نورانیت عجیب و درخشندگی فراوانش، چشمها را خیره می ساخت. عرض کردند: خداوند! این بانو کیست؟ فرمودند: صورت سیده زنان، فاطمه (علیها السلام) است. عرض کردند: پروردگارا! این تاجی که بر سر اوست چیست؟ فرمود: شوهرش علی بن ابیطالب (علیه السلام) است. سؤال کردند: این دو گوشواره ها چه هستند؟ فرمودند: دو فرزندش حسن و حسین (علیه السلام) هستند، که ایشان این مقام را دو هزار سال پیش از آنکه تو را خلق کنم در علم پنهانم داشته اند. (۴۳)

شفاعت فاطمه (علیها السلام) از گناهکاران

در اخبار متواتره آمده است که در روز محضر قیه ای از نور بالای سر زهراء (علیها السلام) نصب کنند و هفتاد هزار ملک و حوریه اطراف او را دارند که در دست هر یک مجمری از نور است که بوی عمود از آن متصاعد است و هر یک شمعدانی مرصع به جواهر در دست دارند که نور افشانی می کند و آسیه و مریم، و خدیجه حاضر می شوند و تکبیر گویان وارد صحرای محشر می شوند و از آنجا به قصرهای تزئین شده بهشت می روند. در صحرای محشر فاطمه (علیها السلام)، و حسین (علیه السلام) را می خواهد و حسین شهید با همان سر بریده ظاهر و محشور می شود. فاطمه (علیها السلام) به خونخواهی بر می خیزد، پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید: فاطمه جان امروز، روز شفاعت است نه روز انتقام. فاطمه (علیها السلام) از پیشگاه دیوان محاسبات الهی تقاضای عفو گناهان شیعیان خود را می نماید و مصداق آیه: ((و لسوف یعطیک ربک فترضی)) پروردگارت (در قیامت) آن قدر به تو خواهد داد که راضی شوی. (۴۴) ظاهر می شود. (۴۵)

مشاهدات حضرت آدم در بهشت

انس بن مالک از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت می کند که آن حضرت فرمودند: حضرت آدم (علیه السلام) چون در بهشت به ره سو نگاه کرد صورتی را به شکل و قیافه خود نیافت. عرض کرد: خدایا، صورتی نظیر چهره من نیافریده ای؟ خدای تبارک و تعالی او را متوجه بهشت فردوس کرد. حضرت آدم در آنجا قصری از یاقوت سفید مشاهده کرد و داخل آن قصر سفید شد. داخل قصر پنج تصویر مشاهده کرد که بر روی هر یک از آن صورتهای، اسم آن نیز نوشته شده بود. آن نوشته ها عبارت بودند از: من محمودم و این احمد (صلی الله علیه و آله و سلم) است. من اعلی و این علی است. من فاطم و این فاطمه (علیها السلام) است. من محسنم و این حسن (علیه السلام) است. من ذوالاحسانم و این حسین (علیه السلام) است. (۴۶)

آتش بر گوشت و خون فاطمه (علیها السلام) حرام است

انس بن مالک روایت می کند که: روزی عایشه بر حضرت فاطمه (علیها السلام) وارد شد در حالی که آن حضرت مشغول درست کردن حریره با آرد و شیر و روغن برای بیچه ها بود و دیگر بر روی آتش می جوشید و فاطمه (علیها السلام) آن را با دست خود هم می زد. عایشه با اضطراب و نگرانی از نزد او بیرون آمده و نزد پدرش ابوبکر رفت و گفت: ای پدر! من از فاطمه (علیها السلام) چیز شگفت آوری دیدم و آن اینکه او دست به درون دیگی که بر روی آتش می جوشید برده و آن را هم می زد. ابوبکر گفت: دخترکم! این را پنهان کن که کار مهمی است. این خبر به گوش پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) رسید، حضرت بر بالای منبر رفته و بعد از حمد و ثنای خداوند فرود: همانا مردم دیدن دیگ و آتش را بزرگ شمرده و تعجب می کنند. سوگند به آن کس که مرا به پیامبری برگزید، خداوند آتش را بر گوشت و خون و موی و رگ و پیوند فاطمه (علیها السلام) حرام فرموده است. فرزندان و شیعیان او را نیز از آتش دور نموده است. آسمان برکاتش را بر او نازل نموده و زمین گنجینه های خودش را تسلیم او نموده است، وای، وای، وای به حال کسی که در فضیلت و برتری فاطمه (علیها السلام) شک و تردیدی به خود راه دهد، همانا فاطمه پیش از من دعا می کند و شفاعت می نماید و شفاعتش علی رغم میل کسانی که با او مخالفت می کنند، پذیرفته می شود. (۴۷)

احترام به حدیثی از پیامبر

ابوجعفر طبری در کتاب ((الدلائل)) به سند خود از ابن مسعود نقل می کند: مردی به محضر فاطمه (علیها السلام) آمد و گفت: ای دختر رسول خدا، آیا چیزی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) برای خود شما یادگار مانده که مرا از آن بهره مند سازی؟ فاطمه زهراء (علیها السلام) به کنیز خود فرمود: آن جریده (لوح نوشته شده) را بیاور. کنیز جستجو پرداخت، اما آن را پیدا نکرد، فاطمه به او فرمود:

و یحک اطلبیها فانها تعدل عندی حسنا و حسینا؛

وای بر تو، آن را پیدا کن، که آن در نزد من مانند حسن و حسین (علیه السلام) ارزش دارد. کنیز به جستجو پرداخت و آن را پیدا کرد و نزد فاطمه (علیها السلام) آورد، در آن نوشته بود: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: ((از مؤمنان نیست کسی که همسایه اش از آزار او در امان نباشد، و هر کس به خدا و معاد معتقد است، به همسایه اش آزار نمی رساند، هر که به خدا و معاد معتقد است، به دشمن دارد، سخن نیک بگوید یا ساکت شود، خداوند دوست می دارد، کسی را که خیر اندیش و بردبار و خویشتن دار است، و دشمن می دارد هر که را که دشنام دهنده و بد زبان و بی شرم و بسیار سؤ ال کننده و اصرار کننده در سؤ ال باشد، زیرا شرم و حیا از ایمان است و ایمان در بهشت می باشد، ولی دشنام از بی شرمی است و بی شرم در آتش است.)) (۴۸)

فایده های دوستی فاطمه (علیها السلام)

از سلمان فارسی نقل شده است که:

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به من فرمود: ای سلمان! هر کس فاطمه (علیها السلام) دخترم را دوست داشته باشد، در بهشت با من خواهد بود و هر کس او را دشمن بدارد، در آتش خواهد بود، ای سلمان! دوستی فاطمه در صد جا فایده خواهد داد که آسانترین آن، مواضع مرگ، قبر و میزان محشر، پل صراط و جایگاه حسابرسی است. هر کس که دخترم فاطمه (علیها السلام) از او راضی باشد من از او راضی هستم و از هر کس که من راضی باشم خدا هم از او راضی خواهد بود، هر کس که فاطمه بر او خشمگین باشد من بر او خشمگین باشم و هر کس که من بر او خشمگین باشم خداوند بر او خشمگین خواهد بود. ای سلمان! وای بر حال کسی که به او و شوهرش امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) ستم نماید و وای بر کسی که به ذریه و شیعیان او ستم کند. (۴۹)

شفاعت فاطمه (علیها السلام) به وسیله دو دست بریده عباس

نقل شده است: در روز قیامت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به علی (علیه السلام) می فرماید: به فاطمه بگو برای شفاعت و نجات امت چه داری؟ علی (علیه السلام) پیام پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را به فاطمه (علیها السلام) ابلاغ می کند. فاطمه در جواب می گوید:

یا امیر المؤمنین کفانا لاجل هذا المقام الذان المقطوعتان من ابنی العباس؛

ای امیرالمؤمنین! دو دست بریده پسر عباس، برای ما در مورد مقام شفاعت کافی است. (۵۰)

تأثیر حالات معنوی حضرت فاطمه (علیها السلام) بر فضا

ابولقاسم قشیری نقل کرده که: روزی در بیابان از قافله باز ماندم و در این هنگام زنی را دیدم که تنها در آن بیابان سرگردان است، از او پرسیدم: تو کیستی؟ گفت:

((قل سلام فسوف یعلمون؛ بگو سلام، به زودی خواهند دانست.)) (۵۱)

سلام کردم و گفتم: در این بیابان چه می کنی؟ گفت:

و من یهد الله فما من مضل؛

و هر کس که خداوند هدایتش کرده باشد گمراه کننده ای ندارد. (۵۲)

از حالت و سخنان او شگفت زده شدم، لذا پرسیدم تو از آدمیانی یا جن و یا پری هستی؟ گفت:

یا بنی آدم خذوا زینتکم؛ ای فرزندان آدم، زینت خود را بگیرید. (۵۳)

گفتم از کجا می آیی؟ گفت:

((بنادون من مکان بعید؛ از جایی دور دست ندایشان می دهند.)) (۵۴)

گفتم اینک کجا می روی؟ گفت:

و الله علی الناس حج البیتو خدای را بر مردم، حج خانه (کعبه) مقرر است. (۵۵)

گفتم: چند روز است که از قافله باز مانده ای؟ گفت:

و لقد خلقنا السوات و الارض و ما بینهما ستة ایام، و به راستی که آسمانها و زمین و ما بین آنها را در شش روز آفریدیم. (۵۶)

گفتم: غذا و طعام میل داری؟ گفت:

و ما جعلنا هم جسدا لا یاء کلون الطعام؛ و ما آنان را به صورت پیکری نساخته بودیم که خوراک نخورند (۵۷)

فهمیدم که میل به غذا دارد. او را طعام دادم، سپس گفتم: عجله کن تا به کاروان برسیم، گفت:

لا یکلف الله نفسا وسعها؛ خداوند هیچکس را جز به اندازه توانش تکلیف نمی کند (۵۸).

گفتم: بیا به ردیف من سوار اسب شو، گفت:

لو کان فیهما الهة الا الله لفسدتا؛ اگر در آن دو، خدایان متعددی جز خداوند بود تباه می شدند. (۵۹)

فهمیدم که ایشان به مسأله نامحرمی اشاره دارد، لذا سریع پیاده شدم و او را سوار کردم. گفت:

((سبحان الذی سخر لنا هذا، پاک است کسی که این را رام ما ساخت.)) (۶۰)

زمانی که به قافله رسیدیم، پرسیدم: در این قافله کسی را داری؟ گفت:

یا داود انا جعلناک خلیفة فی الارض؛ ای داود، ما تو را در روی زمین خلیفه خود گماشته ایم. (۶۱)

((و ما محمد الا رسول؛ و محد نیست مگر پیامبری از طرف خدا.)) (۶۲)

((یا یحیی خذ الکتاب بقوة؛ ای یحیی، کتاب آسمانی را به جد و جهد بگیر.)) (۶۳)

((یا موسی انی انا الله؛ ای موسی، من خداوندم.)) (۶۴)

پس به میان قافله رفتم و این نامها را با صدای بلند خواندم، ناگهان دیدم چهار جوان به سوی آن زن توجه کردند. من از آن زن

سؤال کردم: این جوانان کیستند؟ گفت:

المال و البنون زينة الحياة الدنيا؛ اموال و پسران، تجمیل زندگی دنیوی است. (۶۵)

فهمیدم که این جوانان پسران هستند، وقتی که جوانان نزد او آمدند، خطاب به آنان گفت:

یا ایت استاخاره ان خیر من استاءجرت القوی الامین، پدر جان، او را دستمزد به کارگیر که او بهترین کسی است که می توانی به کارگیری، هم تواناست و هم درستکار. (۶۶)

پس آن جوانان به من احساس و نیکی کردند و پاداش دادند، آن زن دوباره گفت:

((و الله یضاعف لمن یشاء، و خداوند چند برابر می کند)). (۶۷)

پس آن جوانان پاداش مرا زیاد کردند.

من از آن جوانان پرسیدم این بانو کیست؟ گفتند: او مادرمان فضا است که کنیز بی بی فاطمه زهراء (علیها السلام) بود و بیست سال است که تمام صحبتهايش با آیات قرآن است و جز قرآن چیزی دیگر بر زبان جاری نمی سازد.

فضه نام کنیزی است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در سالهای آخر عمرش به حضرت زهراء (علیها السلام) بخشید تا کمک کار او باشد و نام فضه را خود پیامبر برای او انتخاب کرد. فضه در خانه حضرت فاطمه و اهل بیت پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) چنان تربیت شد که تدریجا یکی از زنان بزرگ اسلام گردید و کمالات بسیاری کسب نمود و کراماتی از او نقل گردیده است.

استقبال از فاطمه (علیها السلام)

از ابن عباس وارد شده که از امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) شنیدم:

روزی رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) بر فاطمه زهراء (علیها السلام) وارد گردیدند و ایشان را اندوهناک یافتند، فرمودند: دخترم! چرا اندوهگینی؟ پاسخ دادند: پدرجان به یاد محشر افتادم که همه مردم در آن صحنه عریان ایستاده اند.

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: آری دخترم، روز قیامت روز بزرگی است، ولی جبرئیل از سوی خدای متعال به من خبر داده، اولین کسی که زمین برایش شکافته شده و در روز قیامت بیرون می آید منم و بعد از من شوهر تو علی (علیه السلام)، آنگاه خدای تعالی جبرئیل را با هفتاد هزار فرشته به سوی تو گسیل می دارد، در آن هنگام بر قبر تو هفت قبه نور روشن می شود. سپس اسرافیل سه جامعه نور برایت می آورد و تو را ندا می دهد: ای فاطمه! دخت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) برخیز و به سوی محشر بیا.

تو بلند می شودی در حالی که از ترس قیامت کاملا ایمنی و بدنت کاملا پوشیده است. اسرافیل پوشش ها را به تو می دهد و تو می پوشی، سپس ((روفائیل)) به سویت می آید در حالی که شتری از نور به همراه اوست که زمان آن شتر از لؤ لو تازه است و بر روی آن شتر هودجی است از طلا و تو سوار بر آن می شوی و روفائیل زمان آن را در دست می گیرد، و پیش روی تو هفتاد هزار فرشته است که در دستشان پرچمهای تسبیح است. وقتی که حرکت تو تند شد، هفتاد هزار فرشته از تو استقبال می کنند و با دیدن تو اظهار خوشحالی می کنند (۶۸)

سبزی حضرت فاطمه (علیها السلام)

شیخ کلینی از حضرت صادق (علیه السلام) روایت کرده که فرمود:

در روی زمین گیاهی اشرف و پر منفعت تر از ((خرقه)) نیست و آن سبزی فاطمه (علیها السلام) است.

سپس حضرت فاطمه فرمود: خدا لعنت کند بنی امیه را که خرفه را ((بقلة الحمقاء)) نامیدند، به جهت بغض و عداوتی که با ما و فاطمه (علیها السلام) داشتند. (۶۹)

خرفه را به عربی ((الرحلة))، ((الفرخ))، ((بقلة المبارک)) می گویند و به فارسی ((خرقه))، تو ((تورک)) گویند.

در روایت آمده که حضرت فاطمه (علیها السلام) این گیاه را بیشتر دوست داشت بدین جهت به آن حضرت نسبت داده شده. چنانکه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز این گیاه را دوست داشت. (۷۰)

در روایت ابن ابی عمیر از امام صادق (علیه السلام) است که فرمود: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بر روی شن گرم راه می رفت، پایش سوخت، بر روی گیاه جمله بقلة الزهرا راه رفت و سوزش پای مبارک آن حضرت ساکت شد و پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آن گیاه را دعا کرد و آن را دوست می داشت. (۷۱)

حماد بن زکریا از امام صادق (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل کرده که فرمود: بر شما باد فرخ (خرقه) که پوشانند است و اگر چیزی عقل را زیاد می کند، همان فرخ است. (۷۲)

این گیاه در مسیل، وادیها، رودخانه ها، و جاهای نمناک می روید و چون منافع زیادی دارد به آن ((بقلة الزهراء)) و ((بقلة المبارک)) نیز می گویند.

گلبرگهای این گیاه خودرو و دارای ساقه سرخی است که روی زمین می خوابد، گلپایش سفید یا زد و ختمهای آن ریز و سیاه و تخم آن در طب به کار می رود.

اطباء پیشین عقیده داشتند این گیاه ثالول را قطع می کند و برای سردرد، گرمی التهاب معده چشم و جریان خون نافع است. (۷۳)

صلوات بر فاطمه و فرزندان ایشان

کعب بن عجره گویند: هنگامی که آیه شریفه:

ان الله و ملائکته یصلون علی النبی یا ایها الذین آمنوا صلوا علیها و سلموا تسلیما (۷۴)

نازل شد و عرض کردیم: ای رسول خدا! می دانیم که چگونه بر تو سلام کنیم، ولی نمی دانیم که چگونه بر تو صلوات بفرستیم؟ حضرت فرمود: بگوئید:

اللهم صل علی محمد و آل محمد.

نیز روایت شده که حضرت فرمود: صلوات بریده و بی دنباله بر من نفرستید پرسیدند: صلوات بریده چیست؟ فرمود: اینکه بگوئید: ((اللهم صل علی محمد))

و بعد ساکت شوید، بلکه بگوئید:

اللهم صل علی محمد و آل محمد (۷۵)

علامه امینی گوید: دیلمی این حدیث را از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) آورده است که حضرت فرمود: دعا در پرده و حجاب است تا اینکه بر محمد و اهل بیتش صلوات فرستاده شود. (۷۶)

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

توسل به فاطمه (علیها السلام) قفل بسته را باز می کند.

یکی از طلاب فاضل و مورد و ثوق تعریف می کند: زمانی که در نجف اشرف مشغول تحصیل بودم، یک روز در ماه مبارک رمضان، طرف عصر غذایی برای افطار خود تهیه کرده و در حجره گذاردم و بیرون آمده و در را قفل کردم، پس از ادا نماز مغرب و عشاء و گذاشتن مقداری از شب برای صرف افطار به مدرسه برگشتم. چون به در حجره رسیدم، متوجه شدم که کلید را گم کرده ام، داخل صحن مدرسه را خوب گشتم و از بعضی از طلاب که در مدرسه بودند سؤال نمودم، اما باز هم کلید پیدا نشد. به علت گرسنگی و نیافتن راه پاره سخت پریشان شدم از مدرسه بیرون آمده، روانه حرم مطهر شدم. به زمین نگاه می کردم که ناگاه مرحوم حاج سید مرتضی کشمیری (۷۷) (اعلی الله مقامه) را دیدم. جریان را به عرض ایشان رساندم. پس با من به مدرسه آمد و به در حجره رفتیم، فرمود:

((معروف است که نام مادر موسی کلید قفلهای بسته است. پس چگونه نام نامی حضرت زهراء (علیها السلام) چنین اثری نکند؟)) آنگاه دست روی قفل نهاد و ندا کرد: یا فاطمه! کچه ناگهان قفل باز شد. (۷۸)

همه چیز برای دوستان فاطمه (علیها السلام)

جابر بن عبدالله انصاری به نقل از حضرت باقر (علیه السلام) می گوید:

در روز قیامت منادی که جبرئیل است ندا در می دهد: پس ((فاطمه (علیها السلام))) دختر محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) کجاست؟ آنگاه فاطمه زهراء (صلی الله علیه و آله و سلم) بر پای می خیزد و خدای تبارک و تعالی می فرماید: ای اهل جمع و محشر! کرامت و بزرگواری امروز از آن کیست؟ محمد و علی و حسن و حسین (علیه السلام) عرض می کنند: برای خدای واحد قهار.

آنگاه خدای تعالی می فرماید: ای اهل جمع و صحرای محشر! من امروز کرامت و بزرگی را برای محمد و علی، فاطمه و حسن و حسین (علیه السلام) قرار دادم. ای اهل جمع و محشر! سرها را پایین افکنده و چشمها را ببندید، این فاطمه (علیها السلام) است که به سوی بهشت می رود.

آنگاه جبرئیل شتری از شتران بهشت می آورد در حالی که دو طرفش را دیباج آویزان کرده اند و مهار آن از لؤلؤ تازه است. پس جلوی پای حضرت زانو می زند و حضرت صدیقه طاهره (علیها السلام) بر آن سوار می شوند و خدای متعال صد هزار فرشته در طرف راست و صد هزار فرشته را در سمت چپ وی می فرستد و صد هزار فرشته را مأمور می کند تا حضرت فاطمه را روی بالهای خود سوار کنند و حمل نمایند تا ایشان را به در بهشت برسانند. وقتی به در بهشت می رسند حضرت فاطمه می ایستد. خدای تعالی می فرماید: ای دخت حبیب من! چرا توقف کردی و حال آنکه من تو را امر کردم به بهشت من در آیی؟ حضرت فاطمه (علیها السلام) عرض می کنند: پروردگارا! دوست دارم که ارزش و قدر و قیمت من در مثل چنین روزی شناخته شود. پروردگار می فرماید: ای دختر حبیب من برگرد و بنگر، هر کس در قلبش محبت تو و یا محبت یکی از فرزندان تو باشد دستش را بگیر و او را داخل بهشت نما. آنگاه، حضرت شیعیان و دوستانش را بر می گزیند و انتخاب می کند، همانگونه که پرنده دانه نیکو را از دانه بد جدا می کند. وقتی که شیعیان و دوستان حضرت زهراء (علیها السلام) بر در بهشت می رسند می ایستند و خدای تعالی می فرماید: ای دوستان من! توقف شما برای چیست و حال آنکه فاطمه (علیها السلام) دخت حبیب من شفاعت شما را نموده است؟ پاسخ می دهند: پروردگارا! ما دوست داریم که در چنین روزی ارزش و منزلت ما شناخته شود. خدای تعالی می فرماید: ای دوستان من برگردید و ببینید چه کس شما را به خاطر آنکه شما فاطمه (علیها السلام) را دوست می داشتید دوست داشت؟ چه کسی به شما به خاطر دوستی فاطمه زهراء (علیها السلام) غذا داد؟ چه کسی به شما به خاطر دوستی فاطمه زهراء (علیها السلام) شربت داد؟ چه کسی شما را به خاطر دوست داشتن فاطمه (علیها السلام) لباس پوشاند...؟ پس دستش را بگیرید و او را وارد بهشت نمائید. (۷۹)

هر که مهر فاطمه در دل ندارد دین ندارد

دین و ایمان غیر حب فاطمه امکان ندارد
بی ولای فاطمه صوم و صلوة ارزش ندارد

خصم زهراء جای غیر از دوزخ و نیران ندارد
هر که حب زهراء گو بیا در بزم ما

بی صفای فاطمه درد کسی درمان ندارد

صفات شیعیان و پیروان اهل بیت (علیه السلام)

یکی از پیروان اهل بیت (علیه السلام) در شهر مدینه همسرش را خدمت حضرت زهراء (علیها السلام) فرستاد، تا بپرسد: آیا شوهرم از شیعیان شما می باشد یا نه؟

حضرت فاطمه (علیها السلام) پاسخ کلی داد و فرمود: اگر به آن چه به شما امر می کنیم، عمل کنید و از آنچه شما را به حذر می داریم دوری کنید از شیعیان مانید و والا هرگز!!

آن شخص پس از شنیدن پاسخ کلی حضرت، مضطرب شد و با توجه به ضعفها و سستی های خود گفت: وای بر من که همیشه در آتش جهنم خواهم بود.

همسرش نگرانی او را خدمت حضرت فاطمه زهراء (علیها السلام) بازگو نمود. حضرت پاسخ داد: (از من) به همسرت بگو چنین نیست (که او قضاوت کرده است). شیعیان ما از بهترین افراد اهل بهشتند و همه دوستان دوستان ما و دشمنان دشمنان ما، همه در بهشت خواهند بود. آری کسی که با قلب و زبان تسلیم ما اهل بیت شده، اما از او امر ما سرپیچی کند و نواهی و موارد پرهیز را محترم نشمرد از شیعیان واقعی ما نخواهد بود، گرچه این گروه پس از پاک شدن از گناهان، و تحمل مشکلات روز قیامت و فرار گرفتن اندک زمانی در طبقات بالای جهنم و چشیدن عذاب، اهل بهشت خواهند بود و ما به خاطر دوستی شان با ما نجاتشان داده و آنان را به پیشگاه خودمان انتقال خواهیم داد. (۸۰)

شفاعت فاطمه (علیها السلام) از فرزندان و شیعیان

در امالی صدوق از امام محمد باقر (علیه السلام) نقل می کند که می فرمودند: از جابر بن عبدالله انصاری شنیدم که می گفت: رسول خدا فرمود: (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: وقتی روز قیامت می شود، دخترم فاطمه (علیها السلام) سوار بر ناقه ای از ناقه های بهشتی به پیش می آید، در حالی که سمت راست او هفتاد هزار و در سمت چپ او نیز هفتاد هزار فرشته در حرکتند و جبرئیل در حالی که مهار ناقه را در دست دارد ندا در می دهد: چشمان خود را ببندید تا فاطمه (علیها السلام) دخت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) عبور کند.

در آن روز هیچ نبی و رسول و صدیق و شهیدی باقی نمی ماند مگر آنکه چشمانش را می بندد تا فاطمه بگذرد. در این هنگام این خطاب از سوی حضرت حق ((جل جلاله)) می آید که ای حبیب من و ای دختر حبیب من! از من بخواه تا به تو بدهم، و شفاعت کن تا بپذیرم، پس به عزت و جلالم سوگند که از ستم و ستمگری نخواهم گذشت.

فاطمه زهراء (علیها السلام) عرض می کند: الهی و سیدی! فرزندان و شیعیانم و شیعیان فرزندانم و دوستانم و دوستان فرزندانم. آنگاه از سوی خدای تعالی خطاب می رسد، فرزندان فاطمه (علیها السلام) و شیعیان و دوستداران فرزندان فاطمه کجایند؟ در این هنگام افراد مورد نظر که فرا خوانده شدند می آیند، سپس فاطمه (علیها السلام) در جلو به راه می افتد تا آنان را داخل بهشت کند. (۸۱)

فاطمه (علیها السلام) شاخه شجره طیبه

از حضرت امام باقر (علیه السلام) معنای کلمه طیبه و شجره طیبه را پرسیدند، آیه ۲۴ سوره ابراهیم: کَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ اَصْلُهَا ثَابِتٌ وَ فَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ (۸۲) فرمود:

مراد از شجره و درخت، رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) است که نسب ایشان در بنی هشام ثابت است و منظور از فرع شجره علی (علیه السلام) است و فاطمه (علیها السلام) شاخه آن و ائمه (علیه السلام) میوه آن درخت می باشند و شیعیان برگهای درخت هستند. هرگاه یکی از شیعیان بمیرد بررگی از درخت مزبور می افتد، و چون مؤ منی متولد می شود برگ تازه ای سبز می شود. (۸۳)

ارزش و احترام خداوند به فاطمه

ابویوب انصاری می گوید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بیمار شد، فاطمه (علیها السلام) به عیادت آن حضرت آمد و گریه می کرد.

حضرت به او فرمود: ای فاطمه! به خاطر ارزش و احترامی که خداوند به تو گذاشت تو را به همسری کسی که در اسلام از دیگران سابقه اش بیشتر و علمش بیشتر بود در آورد. فاطمه! بهترین پیامبران از ماست و او پدرت می باشد، و بهترین اوصیاء از ماست و او شوهرت می باشد، و بهترین شهیدان از ماست که حمزه عمومی پدرت می باشد، و از ماست کسی که داری دو بال است و در بهشت به وسیله آن دو بال رو از می کند و او جعفر پسر عموی پدرت می باشد. از ماست دو نواده این امت و دو آقای جوانان اهل بهشت، حسن و حسین (علیه السلام) که آن دو، پسران تو هستند. سوگند به آن کسی که جانم در دست اوست از ماست مهدی (عج) این امت و او از فرزندان تو است. (۸۴)

اهل محشر! چشمان خود را ببندید

از امام رضا (علیه السلام) روایت است که فرمود: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: روز قیامت از جانب عرض الهی ندایی بلند می شود که ای اهل محشر! چشمان خود را ببندید تا فاطمه از صراط عبود کند دختر پیامبر اسلام در حالی که هفتاد هزار حوریه ملازم رکاب او هستند، تاجی از نو بر سر دارد و دو گوشواره نور در گوش، و از نور جمالش صحرای محشر منور می گردد. از ملائکه می پرسند این کیست وارد محشر شده؟ جبرئیل می گوید: او ملکه اسلام، صدیقه طاهره، فاطمه زهراء (علیها السلام)، یگانه دختر پیغمبر اسلام است.

علی (علیه السلام) از پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت می کند که فرمود: جبرئیل بر من نازل شد و گفت: به دخترت فاطمه سلام برسان و بگو روز قیامت همه عریان هستند ولی برای آنکه فاطمه برهنه نباشد دو حوله از نور بر او می پوشانیم. (۸۵)

نام فاطمه (علیها السلام) معجزه می کند

قطب راوندی روایت کرده است:

چون حضرت فاطمه (علیها السلام) از دنیا رحلت فرمود: ام ایمن (خادمه آن حضرت) سوگند یاد کرد که دیگر در مدینه نماند، زیرا که نمی توانست جای آن حضرت را خالی ببیند، پس از مدینه خارج شد و به طرف مکه به راه افتاد. در بین راه دچار تشنگی و گرسنگی شدیدی شد. چون از یافتن آب مایوس شد دست به سوی آسمان بلند نمود و عرض کرد: خداوند! من خادمه حضرت فاطمه ام، آیا مرا از تشنگی هلاک خواهی کرد؟ ناگهان به اعجاز فاطمه (علیها السلام) دلو آبی از آسمان برای او به زمین آمد. چون از آن آب خورد تا هفت سال محتاج به خوردن و آشامیدن نشد. مردم او را در روزهای بسیار گرم برای کار به بیابان می فرستادند، اما او تشنه نمی شد. (۸۶)

فاطمه (علیها السلام) روشنی نور آسمانها

روایت کرده اند از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) که فرمودند:

خداوند من و علی (علیه السلام) را از نور و عظمت و بزرگی خود خلق کرد، هزار سال قبل از آنکه سایر خلایق با بیافریند، در آن زمان که هیچ تسبیح و تقدیسی وجود نداشت.

پس نور مرا شکافت و از نور من آسمانها و زمین را آفرید و به خدا قسم که من از آسمانها و زمین برترم. چون نور علی (علیه السلام) را منتشر ساخت، عرش و کرسی از نور او خلق گردید، به پروردگارم قسم که علی (علیه السلام) از عرش و کرسی افضل است. سپس نور حسن (علیه السلام) را باز کرد و لوح و قلم از نور حسن (علیه السلام) به وجود آمد و به خداوند قسم که حسن (علیه السلام) از لوح و قلم از نور حسن (علیه السلام) به وجود آمد و به خداوند قسم که حسن (علیه السلام) از لوح و قلم برتر است. سپس همه هستی از شرق تا غرب تاریک ماند. ملائکه بر پروردگار از آن همه تاریکی و ظلمت شکایت کردند و خواستند که خداوند تاریکی را از میان ایشان برطرف کند.

خداوند خواسته آنان را اجابت فرمود و کلمه ای را فرمود و از آن کلمه نوری خلق؛ سپس آن نور را به آن روح اضافه کرد و آن را در بلندترین مکان عرش قرار داد، همه عالم از شرق تا غرب نورانی شد. آن روح آمیخته به نور خلق شده از لطف پروردگار کسی نیست جز فاطمه (علیها السلام) و به همین دلیل او را زهراء (علیها السلام) نامیدند، زیرا نورش آسمانها را روشن ساخت. (۸۷)

سقف خانه فاطمه (علیها السلام)، عرش پروردگار

روایتی است در تفسیر برهان از حضرت باقر (علیه السلام) نقل شده است که: سقف خانه علی و فاطمه (علیها السلام) حجره رسول الله است و سقف خانه شان، عرش رب العالمین. در انتهای خانه هاشان شکافی است که از آن تا عرش، پرده از معراج وحی برداشته شده است و ملائکه هر صبح و شام و هر ساعتی و هر لحظه ای با وحی الهی بر آنان نازل می شوند و رشته فروج ملائکه فرود می آیند، قطع نمی شود. گروهی فرو می آیند و دسته ای بالا می روند... و همانا خداوند بر قوت دیده محمد و علی و فاطمه، حسن و حسین (علیه السلام) بیفزود تا عرش را مشاهده می کردند و جز عرش، سرپوشی برای خانه هایشان نمی دیدند. خانه هایشان به عرش رحمان مسقف است و معراجهای ملائکه و روح در خانه های اینان است، به اذن پروردگارشان، من کل امر سلام. (۸۸)

خدا از خشم فاطمه (علیها السلام) خشم می کند

از امام صادق (علیه السلام) پرسیدند:

بعضی جوانان حدیثی از شما نقل می کنند که باور کردند نیست، می گویند: ((خدا از خشم فاطمه (علیها السلام) به خشم می آید؟!)) (۸۹) امام صادق (علیه السلام) فرمود: مگر شما این روایت را در کتابهای خود ندارید که خدا از خشم بنده مؤمن به خشم می آید؟ گفتند چرا؟ فرمودند پس چرا باور نمی کنی که فاطمه (علیها السلام) زنی با ایمان باشد و خدا از خشم او به خشم آید؟ (۹۰)

ما وسیله خدا در بین بندگان هستیم

حضرت زهراء (علیها السلام) فرموده است: سپاس بگذارید خداوندی را که به خاطر عظمت و نورانیتش تمام ساکنان آسمانها و زمین برای رسیدن به او در جستجوی وسیله اند، و ما وسیله او در بین مخلوقاتش می باشیم، ما برگزیدگان او، جایگاه قدس و تنزه او، و حجت او در پنهانی حق و وارثان پیامبر اویم. (۹۱)

فاطمه (علیها السلام) جزء زنان به کمال رسیده

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

کامل من الرجال کثیر و لم یکمل من النساء الا اربع: آسیه بنت مزاحم، مریم بنت عمران، خدیجه بنت خویلد، فاطمة بنت محمد در مراحل رشد و تکامل انسانی مردان بسیاری به مرحله کمال رسیدند، ولی از زنان جزء چهارتن به آن مقام دست نیافته اند، و آن چهار نفر، آسیه همسر فرعون، مریم دختر عمران، خدیجه دختر خویلد و فاطمه دختر محمد است. ((۹۲))

اطعام الهی

کلینی (رحمة الله علیه) از امام باقر (علیه السلام) نقل می کند که فرمود:

روزی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به فاطمه (علیها السلام) فرمود: فاطمه، برخیز و آن کاسه بزرگ بهشتی را بیرون بیاور.

فاطمه (علیها السلام) برخاست و کاسه ای را بیرون آورد که در آن ترید و استخوان گوشت دار لبریز بود. فاطمه و حسن و حسین (علیه السلام) تا سیزده روز از آن غذا همراهش بود بدید، به او عرض کرد: این را از کجا آورده ای؟ فرمود: ما چندین روز است که از این غذا می خوریم. ام ایمن، خدمت حضرت فاطمه (علیها السلام) رسید. عرض کرد: فاطمه! اگر نزد ام یمن چیزی باشد آن برای فاطمه و فرزندان اوست، و اگر نزد فاطمه چیزی باشد ام ایمن از آن بهره ای ندارد؟ پس فاطمه (علیها السلام) از آن غذای بهشتی برای ام ایمن آورد. همین که ام ایمن از آن خورد آن کاسه بهشتی ناپدید شد. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به فاطمه (علیها السلام) فرمود: اگر از آن طعام به ام ایمن نخورانده بودی، تو و فرزندان تا قیامت قیامت از آن تناول می کردید. امام باقر (علیه السلام) فرمود: آن کاسه نزد ماست که قائم ما آن را در زمان (ظهور) خود بیرون می آورد. (۹۳)

بخشش پروردگار، خشنودی فاطمه (علیها السلام)

در جلد دهم بحار مرحوم مجلسی (رحمة الله علیه) به نقل از امام صادق (علیه السلام) و جابر بن عبدالله انصاری آمده که فرمودند:

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فاطمه زهراء (علیها السلام) را دیدند در حالی که لباس از پوشاک شتر بر تن داشت و به سمت خود آسیا می کردند و فرزند خود را نیز شیر می دادند، اشک از چشمان مبارک رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) سرازیر گردید و فرمودند: دختر جانم! تلخی و سختی دنیا را پیشاپیش بچش تا شیرینی آخرت را پس از آن دریابی، عرض کرد: ای رسول گرامی! سپاس پروردگار را بر نعمتهای فراوانش و شکر به خاطر مواهب و بخشوده هایش. پس از این گفتگو آیه: ((و لسوف یعطیک ربک فترضی)) به زودی پروردگارت آنچه را بخشش بر تو نماید که راضی و خشنود گردی نازل شد. (۹۴)

گلو بند پر برکت

جابر بن عبدالله انصاری می گوید:

روزی نماز عصر را با پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) خواندیم، اصحاب اطرافش نشسته بودند، ناگاه پیرمردی خدمت پیغمبر رسید که لباس کهنه ای پوشیده بود و از شدت پیری و ناتوانی نمی توانست بر جای خودش قرار گیرد. پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) متوجه او شد و از احوالش پرسید. عرض کرد: یا رسول الله مردی هستم گرسنه، سیرم کردن، برهنه ام لباسی به من عطا کن، تهی دستم چیزی به من بده. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود من اکنون چیزی ندارم، ولی تو را به جایی راهنمایی می کنم، بلکه شاید حاجتت برآورده شود. برو به منزل کسی که خدا و رسولش را دوست دارد، خدا و رسول نیز او را دوست دارند. به خانه دخترم فاطمه (علیها السلام) برو، شاید چیزی به تو عطا کنند... سپس به بلال فرمود: پیر مرد ناتوان را به خانه فاطمه (صلی الله علیه و آله و سلم) هدایت کن.

بلال به اتفاق پیر مرد به خانه فاطمه (علیها السلام) رفتند. پیر مرد عرض کرد: سلام بر شما ای خانواده نبوت و مرکز نزول فرشتگان. حضرت فاطمه جوابش را داد و فرمود: کیستی؟ عرض کرد: فقیری هستم. خدمت پدرت رسیدم و مرا به سوی شما راهنمایی نموده ای دختر پیغمبر! گرسنه ام سیرم کنید. برهنه ام پوششی به من بدهید، فقیرم چیزی به من عطا کنید. حضرت زهراء (علیها السلام) هیچ غذایی در خانه سراغ نداشت پوست گوسفندی که فرش حسن و حسین (علیه السلام) که هیچ غذایی در خانه سراغ نداشت پوست گوسفندی که فرش حسن و حسین (علیه السلام) بود و پیرمرد داد. عرض کرد: این پوست کجای زندگی مرا اصلاح می کند؟ حضرت فاطمه (علیها السلام) گلوبندی را که دختر عمویش به او هدیه داده بود به او داد و فرمود: این را بفروش و زندگی خودت را بدان اصلاح کن.

پیر مرد برگشت و جریان را خدمت پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) عرض کرد. آن حضرت گریست و فرمود: گردنبد را بفروشی تا خدا به برکت عطای دخترم برای تو گشایش فراهم سازد.

عمار یاسر (رحمة الله علیه) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) اجازه گرفت که آن گردنبد را خریداری کند، از پیرمرد پرسید: آن را چقدر میفروشی؟ گفت: به بهای آنکه شکم را از نان و گوشت سیر کنی و یک برد یمانی بر تنم بیوشانی تا با آن نماز بخوانم و یک دینار پول بدهی تا ما نزد اهل و عیالم برسند. عمار گفت: من این گردنبد را به بیست دینار و دویست درهم و یک برد یمانی و یک حیوان سواری و نان و گوشتی که سیرت کند می خرم. پیرمرد گردنبد را به عمار فروخت و پولش را تحویل گرفت. او خدمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) برگشت. حضرت از او پرسید: سیر و پوشیده شدی؟ عرض کرد: آری به برکت عطای فاطمه (علیها السلام) بی نیاز شدم، خدا در عوض به فاطمه عطائی بکند که نه چشمی دیده و نه گوشه شنیده باشد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به اصحاب فرمود: خدا در همین دنیا چنین عطائی را به فاطمه (علیها السلام) کرده است، زیرا پدری مثل من و شوهری مثل علی (علیه السلام) و فرزندان چون حسن و حسین (علیه السلام) به او داده است.

وقتی که عزرائیل فاطمه (علیها السلام) را قبض روح کند، در قبر از او بپرسند: پیغمبر کیست؟ جواب می دهد: پدرم. می گویند: امامت کیست؟ جواب می دهد. شوهرم علی بن ابیطالب (علیه السلام) خدا گروهی از ملائکه را مأموریت داده که بعد از مردنش دائما درود می فرستند و بر او و پدر و شوهر و فرزندان.

عمار گردنبد را گرفت و خوشبو کرد و در پارچه یمانی گذاشت و به غلامش گفت: این را خدمت حضرت رسول تقدیم کن، خودت را نیز به آن حضرت بخشیدم. وقتی که غلام پیش پیغمبر رفت حضرت گردنبد را با غلام به فاطمه (علیها السلام) بخشید. فاطمه گردنبد را گرفت و غلام را آزاد نمود.

غلام بعد از آزادی خندید. علت خنده اش را پرسیدند، گفت: از برکت این گردنبد در گشتم! زیرا گرسنه ای را سیر کرد، برهنه ای را پوشش داد، و تهی دستی را بی نیاز کرده و بنده ای را آزاد کرد و باز هم نزد صاحبش برگشت. (۹۵)

از خود گذشتگی و ایثار فاطمه (علیها السلام)

عرب تازه مسلمانی در مسجد مدینه از مردم کمک خواست، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به اصحاب خود نگرست، سلمان فارسی برخاست تا نیاز آن مرد را برطرف سازد، هر جا رفت با دست خالی برگشت. با ناامیدی به طرف مسجد می آمد که چشمش به منزل حضرت زهراء (علیها السلام) افتاد، با خود گفت: فاطمه سر چشمه نیکوکاری است، لذا درب خانه را کوبید و داستان مرد عرب را شرح داد. حضرت زهراء (علیها السلام) فرمود: ((ای سلمان! سوگند به خداوندی که حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) را به پیامبر برگزید، سه روز است که غذا نخورده ایم و فرزندانم حسن و حسین (علیه السلام) از شدت گرسنگی بی قراری می کردند و خسته و مانده به خواب رفته اند. اما من، نیکی و نیکوکاری را که در خانه مرا کوبیده است، رد نمی کنم آنگاه پیراهن خود را به سلمان داد تا در مغاز شمعون یهودی گرو گذاشت، مقداری خرما و جو فرض بگیرد. سلمان فارسی می گوید: پس از دریافت جو و خرما به طرف منزل حضرت فاطمه (علیها السلام) آمدم و گفتم: دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)! مقداری از این غذاها را برای فرزندان گرسنه ات بردار، پاسخ داد. (ای سلمان! این کار را فقط برای خدای بزرگ انجام دادیم و هرگز از آن چیزی بر نمی داریم.)) (۹۶)

ارزش علم و دانش

امام حسین عسکری (علیه السلام) فرمود: دو زن که یک مؤمن و دیگری معاند بودند در یک مطلب دینی با هم تنازع داشتند، برای حل اخلاف خدمت حضرت فاطمه (علیها السلام) رسیدند و جریان را تعریف کردند. چون حق با زن مؤمن بود حضرت فاطمه (علیها السلام) گفتارش را با دلیل و برهان تائید کرد و بدین وسیله بر زن معاند پیروز گشت و از این پیروزی شادمان شد. حضرت فاطمه (علیها السلام) به زن مؤمن گفت: فرشتگان خدا بیشتر از تو شادمان گشتند و غم و اندوه شیطان و پیروانش نیز بیشتر از غم و اندوه زن معاند می باشد. آنگاه امام حسن (علیه السلام) فرمود: و بدین جهت خدا به فرشتگان فرمود: در عوض خدمتی که حضرت فاطمه (علیها السلام) به این زن مؤمن کرد، بهشت و نعمت های بهشتی را برای او هزار برابر آنچه قبلا مقرر بود مقرر بدانید، و همین روش و سنت را درباره هر دانشمندی که با علم و دانش خود مؤمنی را تقویت کند که بر معاندی پیروز گردد معمول دارید و ثوابش را هزار هزار برابر مقرر دارید. (۹۷)

علم و دانش حضرت فاطمه (علیها السلام)

عمار می گوید: روزی حضرت علی (علیه السلام) وارد منزل شد، حضرت فاطمه (علیها السلام) فرمود: یا علی! نزدیک بیا تا از حوادث گذشته و آینده برایت سخن بگویم. حضرت علی (علیه السلام) که از سخن فاطمه (علیها السلام) در شگفت بود، خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) شرفیاب شد و سلام کرد و نزدیک آن حضرت نشست. پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: یا علی! آیا تو آغاز به سخن می کنی یا من بگویم؟ حضرت علی (علیه السلام) عرض کرد: دوست دارم از سخنان شما استفاده کنم. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: گویا فاطمه (علیها السلام) به شما این چنین و آن چنان فرمود و به همین جهت به نزد من آمدی؟ حضرت علی (علیه السلام) عرض کرد: یا رسول الله! مگر نور فاطمه هم از سنخ نور ما است؟ پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: مگر نمی دانستی؟ حضرت علی (علیه السلام) از شنیدن این سخن به سجده شکر افتاد و خدای را سپاس گفت. سپس به نزد فاطمه (علیها السلام) برگشت. حضرت فاطمه (علیها السلام) فرمود: یا علی! گویا نزد پدرم رفتی و این چنین و آن چنان به تو فرمود؟ حضرت علی (علیه السلام) فرمود: آری ای دختر پیامبر. فاطمه (علیها السلام) فرمود: یا ابالحسن! خداوند نور مرا آفرید و خدای را تسبیح می گفت، آنگاه او را در یکی از درختان بهشتی به ودیعه گذاشت، آنگاه که پدرم داخل بهشت شد از جانب خدا مأموریت یافت که میوه های آن درخت تناول کند، پدرم از میوه آن درخت خورد و بدین وسیله نور من به صلب او منتقل گشت و از صلب پدرم به رحم مادرم وارد شدم. یا علی! من از آن نور هستم و حوادث گذشته و آینده را بوسیله آن نور می یابم. یا ابالحسن! مؤمن به وسیله نور خدا می بیند. (۹۸)

عنايات حضرت زهراء (علیها السلام) به سادات

((ابن عیین)) شاعر قرن هفتم، سالی به سوی مکه رهسپار شد، در بین راه بعضی از سادات منسوب به بنی داود به او دستبرد زدند و همه اموال او را غارت کردند و حتی لباسهای تنش را بیرون آورده و چنین زخم بر او وارد نمودند و گریختند. ابن عیین برای سلطان یمن ((عزیزبن ایوب)) نامه شکایت نوشت و از او دادخواهی کرد و برای او قصیده ای نوشت که انتقام او را از ساداتی که اموالش را غارت نمود بودند بگیرد. وقتی که ابن عیین قصیده و نامه شکایت آمیز را نوشت و برای سلطان یمن فرستاد، در عالم رؤیا دید که در کنار کعبه است و حضرت زهراء (علیها السلام) مشغول طواف کعبه می باشد، پیش رفت و سلام کرد، ولی حضرت جواب سلام او را نداد، گریه و زاری کرد و به آن حضرت عرض کرد که گناه من چیست که جواب سلام مرا نمی دهی؟ حضرت زهراء (علیها السلام) در پاسخ ((ابن عیین)) اشعاری خواند که مضمون آن چنین است: ((حاشا که همه فرزندان فاطمه پست و زشت باشند، ولی روزگار با مکر و حيله با ما بدی و ستم کرد، اگر یک نفر از اولاد من بدی نمود، تو نباید عمدا به همه آنها دشنام بدهی، از کردار خود توبه کن به خاطر جدشان مصطفی (صلی الله علیه و آله) آنها را گرامی بدار و به آنها توهین مکن، و هر چه از ناحیه آل رسول به تو رسید، پاداش آن را در روز قیامت هنگام ملاقات با ما دریافت خواهی کرد.)) ابن عیین می گوید: در حال گریه و زاری و ترس از خواب بیدار شدم در حالی که زخمهای بدنم خوب شده بود و در آن هنگام توبه کردم و اشعاری در عذر خواهی نوشتم. (۹۹)

فضایل فاطمه (علیها السلام)

از ابوذر روایت شده است که: سلمان نزد پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد و عرض کرد: ای مولای من! از تو می‌خواهم از فضائل فاطمه (علیها السلام) در قیامت به من خبر بدهی.

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با چهره ای خندان به او نگریست و فرمود: ((سوگند به خدایی که جانم در دست قدرت اوست، فاطمه (علیها السلام) همان بانویی است که در عرصه محشر، سوار بر شتر عبور می‌کند که سر شتر نمودی از خشیت خدا است، چشمانش از نور خدا می‌باشد، تا اینکه فرمود: جبرئیل در سمت راست آن شتر، و میکائیل در سمت چپ آن و علی (علیه السلام) در پیشاپیش آن، و حسن و حسین (علیه السلام) در پشت سر آن حرکت می‌کنند. خداوند حافظ و نگهبان اوست، تا از صحنه محشر عبور کند، در این هنگام ناگهان از جانب خدا ندا می‌رسد:

((ای خلاق! چشمهای خود را فرو خوابانید، و سرهای خود را پایین آورید، این فاطمه دختر پیامبر شما، همسر علی (علیه السلام) امام شما، مادر حسن و حسین (علیه السلام) است، پس از پل صراط عبور می‌کند در حالی که دو چادر شفاف و سفید بر سر دارد.

وقتی که فاطمه (علیها السلام) وارد بهشت می‌شود و به نعمتهای و مواهبی که خداوند برای او آماده ساخته می‌نگرد می‌گوید:

بسم الله الرحمن الرحيم. الحمد لله الذی اذهب عنا الحزن ان ربنا لغفور شکور احلنا دار المقامة من فضله لا یمسنا فیها لغوب؛ به نام خداوند مهربان، حمد و سپاس خداوند را که: حزن و اندوه را از ما دور ساخت، البته خدای ما بخشنده و شکرپذیر است، آن خدایی که ما را در مقام عالی از عطای خود قرار داد که در آن هیچ گونه رنج و ناگواری به ما نمی‌رسد. (۱۰۰)

سیبی از طرف خداوند

در خدمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بودیم و علی و فاطمه و حسن و حسین (علیه السلام) نیز حاضر بودند، در این وقت جبرئیل فرود آمد و سیبی آورد و به دست رسول خدا داد آن حضرت سیب را به امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) داد علی (علیه السلام) آن را گرفت و بوئید و به رسول خدا باز گردانید. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آرا گرفت و به دست حسن (علیه السلام) داد، امام حسن (علیه السلام) نیز آن را گرفت و بوئید و باز گردانید. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)، دوباره سیب را گرفت و به دست حسین (علیه السلام) داد. آن حضرت نیز سیب را گرفت و بوئید و باز گردانید. سپس پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) سیب را به فاطمه داد و فاطمه همچنان آن را گرفت و بوئید و باز گردانید. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) دوباره سیب را گرفته به دست علی (علیه السلام) داد و چون علی خواست دوباره سیب را دست رسول خدا باز گرداند آن شیب را شکافت و دو نیمه شد و نوری از آن به سوی آسمان ساطع گشت و خطی در دو سطر بدین گونه نوشت:

بسم الله الرحمن الرحيم تحية من الله تعالى الى آل محمد المصطفى، و علی المرتضى، و فاطمه الزهراء، و الحسن و الحسين سبطی رسول الله، و ائمان لمحبيهما يوم القيمة من النار؛ این تحیتی است از خداوند به سوی آل محمد، علی مرتضی و فاطمه زهراء و حسن و حسین (علیه السلام) فرزندان رسول خدا و امانی است از برای دوستان حسن و حسین (علیه السلام) در روز قیامت از آتش جهنم. (۱۰۱)

برائتی از سوی خداوند برای شیعه علی و فاطمه (علیها السلام)

از بلال بن حمّامه روایت شده است که گفت:

روزی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) شادان و خندان به ما رسید، عبدالرحمن بن عوف از جا حرکت کرده عرض کرد: ای رسول خدا چه شده که می‌خندید؟ فرمود بشارتی از سوی پروردگارم به من رسیده است، خداوند متعال هنگامی که اراده کرد علی (علیه السلام) را به فاطمه (علیها السلام) تزویج کند به فرشته ای دستور داد که درخت طوبی را تکان دهد، با تکان دادن درخت سکه‌هایی از آن نثار شد، فرشتگان شروع به جمع آوری آنها کردند، چون روز قیامت شود، فرشتگان آنها را در بین خلائق پخش خواهند کرد. در آن روز هیچ یک از دوستان با اخلاص ما دیده نخواهند شد مگر اینکه نامه ای به دستش رسیده که در آن نوشته شده: ((برائت و برکناری از آتش، از سوی برادر و پسر عمو و دخترم، رها شدن مردان و زنانی از امتم از آتش. (۱۰۲)

بانوی برگزیده

روزی پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نشسته بودند، و در کنار ایشان حضرت علی و حضرت فاطمه و امام حسن و حسین (علیه السلام) نشسته بودند. پیامبر عرض کردند: خدایا تو می‌دانی که اینان اهل بیت من هستند، پس یار خدایا آن کسی که آنان را دوست داشته باشد دوستش بدار، و هر کس که یاور آنان باشد یاورش باشد و آن کس که دشمن آنان است با او دشمن باش... پس فرمودند: ای علی! تو امام امت و خلیفه پس از من بر مسلمانان خواهی بود، تو در قیامت پیشوای مؤمنانی هستی که به سوی بهشت خواهند رفت. و گوئی هم اکنون می‌نگرم که دخترم فاطمه (علیها السلام) بر مرکبی از نور سوار است و به صحرای محشر می‌آید در حالی که هفتاد هزار فرشته در سمت راست و هفتاد هزار در طرف چپ و به همین تعداد پیش رو و به همین تعداد فرشته نیز در پشت سر او وی را همراهی می‌کنند. او هم زنان مؤمنه امت را به سوی بهشت می‌برد.

سؤال شد: یا رسول الله آیا فاطمه (علیها السلام) در زمان خویش برترین زنان است؟ فرمود: برترین زنان در زمان خود مقامی است که از آن مریم دختر عمران است. در حالی که دختر من فاطمه سرور و برترین زنان در تمام زمانهاست و به هنگامی که برای عبادات در محراب می‌ایستد هفتاد هزار فرشته بر او درود می‌فرستند و او را اینگونه مخاطب قرار می‌دهند: ای فاطمه! خدا ترا برگزید و پاکت ساخت و بر تمام زنان عالم برتری بخشید. (۱۰۳)

در وصف فاطمه (علیها السلام)

فاطمه تکوین یافته از میوه بهشتی! فاطمه محل اسرار رب العالمین، دختر ولی خدا، همسر ولی دیگر خدا و مادر اولیای خدا و معصومان است.

او ذخیره بزرگ الهی و ذخیره دار حجت خداوند است. نور چشم رسول، دردانه خدیجه کبری است. معجزه تربیت محمد است و پرورنده امامان و حجت های الهی. فاطمه انسان است، ولی به تعبیر رسول خدا او فرشته ای است در صورت انسان!

در جنبه حسب و نسب و فضل و افتخار چه کسی می تواند چون فاطمه باشد، او دختر بهترین افراد عرب و عجم، و خود بانوان زنان عالم، پدرش بهترین پیامبران و شوهرش بهترین اوصیاء و فرزندانش بهترین جوانان اهل بهشت و مهدی امت از نسل اوست. پدرش در وصف او می فرمود: فاطمه (علیها السلام) یک شاخه گل است.

او از نور عظمت خدا خلق شده، حوراء انسیه است و نطفه او از میوه بهشتی است. پیامبر بوی بهشت را از او استشمام می کرد، محور اهل بیت است و از زنان برگزیده جهان است.

زهراء (علیها السلام) از صابرین است. بهشت برای فاطمه خلق شده و دارای مقام شفاعت است. با جبرئیل مراد شده داشته است، برای او مانده نازل می شد، امانتدار خلفای الهی است، یادگار خدیجه کبری. هر چند عمرش کوتاه و وجود نازنینش بهار عمر را ندیده، خزان گشت ولی توانست پرتوترین و با فضیلت ترین و بهترین الگو برای زنان باشد.

در ادب فاطمه همین بس که پدر را به حکم قرآن، رسول الله خطاب می کرد و خدمتکار خانه را بانوی من و در طول زندگی مشترک با امیرالمؤمنین چیزی از وی نخواست.

عالم صدف است و فاطمه گوهر اوست

گیتی عرض است و فاطمه جوهر اوست
در قدر و شرافتش همین بس از ز خلق

احمد پدر است و مرتضی شوهر اوست

فاطمه (علیها السلام) در آیه مؤده فی القربی

زمخشری گوید: هنگامی که این آیه (۱۰۴) نازل شد، سؤال شد: ای رسول خدا! این خویشاوندان تو که مودت و محبت نسبت به آنها بر ما واجب شده، چه کسانی می باشند؟ فرمود: علی و فاطمه و دو پسران او...

رسول خدا در مورد محبت به اهل بیت فرمود: هر کس به محبت آل محمد بمیرد، شهید مرده است، آگاه باشید هر کس بر محبت آل محمد بمیرد، آمرزیده شده از دنیا رفته است، هر کس بر محبت آل محمد بمیرد، ملک الموت مزده ورود به بهشت به او می دهد. آگاه باشید هر کس بر محبت آل محمد بمیرد همان گونه که تازه عروس به خانه داماد قدم بر می دارد، او به سوی بهشت گام بر می دارد.

آگاه باشید هر کس بر محبت آل محمد بمیرد خداوند در قبرش دو در به بهشت قرار می دهد، آگاه باشید هر کس بر دشمنی آل محمد از دنیا برود، در روز قیامت در حالی وارد محشر می شود که بر پیشانی و بین دو چشمش نوشته شده است: ((ماء یوس از رحمت خدا)).

آگاه باشید هر کسی بر دشمنی و بغضی آل محمد بمیرد، کافر از دنیا رفته است، آگاه باشید هر کس بر کینه و بغض نسبت به آل محمد بمیرد بوی بهشت به مشامش نمی رسد. (۱۰۵)

سؤال از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) جواب از فاطمه (علیها السلام)

علی (علیه السلام) فرمودند: من با عده ای از اصحاب نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) ننشسته بودیم. آن حضرت فرمودند: آیا می دانید که بهترین خصوصیت و صفت برای زنها چیست؟ هیچ یک از حاضران نتوانستند جوابی بدهند، بعد از پایان جلسه من به خانه رفته و جریان آن مجلس و سؤال پیامبر، و ندانستن جواب آن را با فاطمه زهراء (علیها السلام) بیان کردیم، او به من گفت: یا علی! من جواب سؤال پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را می دانم. ((بهترین چیز برای زن آن است که نه نامحرمی او را ببیند و نه او نامحرمی را ببیند)).

من نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بازگشتم و جواب سؤال او را گفتم، حضرت فرمود: یا علی! تو وقتی نزد من بودی جواب سؤال را نمی دانستی اینک چه کسی جواب را به تو گفته است؟ عرض کردم: فاطمه جواب را به من یاد داد! پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) خوشحال شد و فرمود: فاطمه پاره تن من است. (۱۰۶)

فاطمه (علیها السلام) یکی از چهار سواران قیامت

در پاره ای از روایات آمده، فاطمه (علیها السلام) یکی از سواران چهارگانه روز قیامت است که سوار بر ((غضبا)) شتر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می گردد و وارد محشر می شود.

مرحوم ابن شهر آشوب، روایت می کند: هنگامی که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در بستر رحلت قرار گرفت، ناقه غضباء به پیامبر عرض کرد: مرا بعد از خود برای چه کسی وصیت می کنی؟

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: ((ای غضباء)) خدا به تو برکت دهد تو از آن دخترم فاطمه هستی، که در دنیا و آخرت بر تو سوار می گردد. هنگامی که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) رحلت کرد، آن ناقه، شبانه نزد فاطمه (علیها السلام) آمد و گفت: سلام بر تو ای دختر رسول خدا، اکنون فراق من از دنیا نزدیک شده است، سوگند به خدا پس از رحلت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) لب به آب و علف نزده ام، آن ناقه از فراق جانسوز پیامبر سه روز بعد از رحلت پیامبر جان داد. (۱۰۷)

همچنین عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب گوید: از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) شنیدم که می فرمود: ای مردم! ما

تنها چهار نفریم که در قیامت سواره ایم و سواره دیگری جز ما نیست. مردی عرض کرد: پدر و مادرم فدایت ای رسول خدا! آن سواران چه کسانی هستند. فرمود: من بر ((براق)) خود سوام، و برادرم صالح پیامبر بر همان شتری که قومش آن را پی کردند، و دخترم فاطمه بر شتر ((غضای)) من، و علی ابن ابی طالب بر اشتري از اشتران بهشتی سوار است. (۱۰۸)

وعده بهشت برای صلوات بر فاطمه (علیها السلام)

شخصی بر حضرت فاطمه زهراء (علیها السلام) وارد شد و سلام کرد. حضرت فرمود: چه مطلبی باعث شده که صبح به این زودی به اینجا آمده ای؟

عرض کرد: برای طلب برکت آمده ام. حضرت زهراء (علیها السلام) فرمودند: پدرم به من خبر داد، هر کس بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) یا بر من سه روز سلام بفرستد خدا بهشت را بر او واجب می گرداند: عرض کرد: در زمان حیات او و حیات شما؟ فرمودند:

آری در زمان حیات ما و حتی پس از مرگ ما. (۱۰۹)

اگر فاطمه نبود درخت نبوت باردار نمی شد

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید:

همانا خداوند تبارک و تعالی وجد پیامبران را از درختان متفاوت و متفرق آفریده ولی مرا از یک درخت خلق کرد. من اصل آن درختم و علی (علیه السلام) ساقه آن است و فاطمه (علیها السلام) مایه باوری آن درخت و حسن و حسین (علیه السلام) میوه های درخت وجود من هستند. هر کس از آن دور شود، به گمراهی افتاده است، اگر بنده ای از بندگان خدا سه هزار سال بین صفا و مروه خدا را عبادت کند، ولی محبت ما پنج تن را درک نکرده باشد خدای تبارک و تعالی او را به صورت در آتش افکند. (۱۱۰)

اهمیت پوشش و حجاب

در کافی از جابر بن عبدالله نقل شده که گوید:

من به همراه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به در خانه حضرت فاطمه (علیها السلام) رسیدیم. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در زدند و فرمودند: ((السلام علیکم))، فاطمه زهراء (علیها السلام) پاسخ دادند: ((علیک السلام یا رسول الله)). پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودن آیا داخل شوم. پاسخ دادند: آری ای فرستاده خدا. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند آیا من و آن کسی که همراه من است داخل شویم؟ عرض کردند: ای پیامبر مکرّم، بر سر من چیزی نیست. فرمودند: فاطمه جان (علیها السلام) خود را ببوشان. ایان همین کار را انجام دادند، آنگاه رسول اکرم، فرمودند: ((السلام علیکم)) فاطمه زهراء پاسخ دادند: ((علیک السلام یا رسول الله)) پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: آیا وارد شوم؟ فاطمه زهراء (علیها السلام) پاسخ دادند: آری ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) شما و آن کس که با شماست وارد شوید. (۱۱۱)

نزول آیه برای خشنودی فاطمه (علیها السلام)

روزی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) دستور دزدی را قطع کنند، درد گفت: ای رسول خدا من این دست را در اسلام تقدیم کردم و شما دستور می دهید آن را ببرند، حضرت فرمود: اگر دخترم فاطمه نیز به جای تو می بود، این دستور را می دادم. حضرت فاطمه (علیها السلام) این سخن را شنید و غمگین شد، جبرائیل فرود آمد و این آیه را آورد:

لئن اشرکت لیحیطن عملک

اگر شرک بورزی عمل و کار تو بی ارزش خواهد بود. (۱۱۲)

رسول خدا غمگین شد، در همین هنگام این آیه نازل شد:

لو کان فیهما آلهة الا الله لفسدتا

اگر در آسمان و زمین خدایانی غیر از ((الله)) وجود می داشت تباه و فاسد می شدند. (۱۱۳)

حضرت رسول از نزول آیه تعجب کرد، جبرئیل نازل شده و گفت: فاطمه زهراء (علیها السلام) از سخن تو غمگین شده بود، این آیات برای همراهی با او نازل شد تا خشنود گردد.

مرحوم مجلسی در شرح این حدیث می گوید: شاید معنا چنین باشد که این نازل شد تا فاطمه (علیها السلام) بداند که مانند این گونه کلمات مشروط، با جلالت و مقام مخاطب منافات ندارد. (۱۱۴)

این قبه پر نور از آن فاطمه (علیها السلام) است

حسن بن یزید می گوید:

از امام صادق (علیه السلام) پرسیدم چرا فاطمه (علیها السلام)، ((زهراء)) نامیده شده است؟

فرمودند: به دلیل اینکه برای فاطمه (علیها السلام) در بهشت قبه ای از یاقوت سرخ است که بلندی آن مسیر یکسال راه است. آن قبه به قدرت خدای قادر آویزان است، بدون آنکه از پایین بر هیچ ستونی تکیه زند و از بالا هیچ وسیله نگهدارنده ای آن را نگاه دارد. برای آن قبه هزار در است، بر هر دری هزار ملک از ملائکه پروردگار قرار دارند، اهل بهشت آن را می بینند به هیبتی که هر یک از شما ستاره ای درخشان و نورانی را در آسمان می بیند، پس اهل بهشت می گویند: این قبه پر نور از آن فاطمه (علیها السلام) است. (۱۱۵)

چرا فاطمه (علیها السلام) را زهراء نامیدند؟

از امام محمد باقر پرسیدند: چرا فاطمه (علیها السلام)، به نام زهراء نامیده شد؟ فرمودند: زیرا خداوند او را از نور عظمت خودش آفرید. بواسطه نور آن حضرت آسمان و زمین روشن شد و حدی که ملائکه تحت تأثیر آن نور قرار گرفتند و برای خدا به سجده افتادند، عرض کردند: خدایا این نور چیست؟
حق تعالی فرمود: شعله ای است که از نور عظمت خودم آفریدم و در آسمانها ساکنش نمودم. او را از صلب بهترین پیغمبران خارج خواهم ساخت و از این نور ائمه و پیشوایان دین را خارج می کنم تا مردم را به سوی حق هدایت کنند، آنان جانشینان پیغمبر من خواهند بود. (۱۱۶)

سنگریزه هایی که به غذای خوش طعم مبدل شدند

امام حسن و امام حسین (علیه السلام) سه روز بود که چیزی از خوراکی نخورده بودند، از گرسنگی بی تاب شده، از مادر غذا طلب کردند. چون در خانه چیزی برای خوردن نبود، لذا فاطمه زهراء (علیها السلام) آنان را به بهانه ای تسلی داده که جد بزرگوارتان می آید و چیزی برایتان می آورد. باز آنان ناراحتی می کردند به حدی که حضرت دلگیر شد و اشکش جاری گردید. برخاسته قدری سنگ ریزه جمع نمود، در دیگی ریخت و رویش آب کرد، سر دیگ را نیز پوشانده، آتش در زیر آن روشن نمود تا به جوش آید و به فرزندانش فرمود: صبر کنید طعام بار گذاشته ام، هنوز پخته نشده است. ایشان بیرون می رفتند و بعد از زمانی می آمدند و به مادر می گفتند: اگر آن غذا پخته است برایمان بیاور. حضرت فاطمه (علیها السلام) می فرمود: هنوز خام است، ساعتی صبر کنید تا پخته شود. در این هنگام امام حسن (علیه السلام) بر سر دیگ رفته و سر پوش را برداشت و گفت: ای مادر! اگر پخته یا خام است، قدری برای ما بردار تا بخوریم. فاطمه (علیها السلام) کاسته را برداشت و فرمود: عجب که پخته باد! چون بر سر دیگ آمد مشاهده کرد طعامی در کمال خوبی و خشبونی است. پس از آن برداشت و نزد فرزندان گذاشت آنان مشغول خوردن شدند. فاطمه زهراء (علیها السلام) برخاست و وضو تازه نمود و نماز شکر به جای آورد و چون این خبر به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) رسید، فرمود: الحمد لله، تو ای فاطمه! چنان هستی که در ذریه انبیاء و اولیاء سابق بوده. (۱۱۷)

فاطمه (علیها السلام) برترین مخلوقات

در کتاب ادریس پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آمده است:
روزی حضرت ادریس اصحاب خود را جمع کرد و به آنها گفت: فرزندان آدم روزی در محضر او اختلاف کردند که بهترین خلایق چه کسانی هستند؟ بعضی گفتند: پدر ما آدم، بهترین مخلوقات است، چرا که خداوند او را با دست قدرتش آفرید و روحش را در او دمید و به فرشتگان امر کرد که به عنوان احترام او را سجده کنند؛ او را معلم فرشتگان و خلیفه خود در زمین قرار داد و از همه خلایق خواست از او اطاعت کنند.

بعضی گفتند: نه بهترین مخلوقات، جبرئیل امین است و هر کدام مطلب خاصی گفتند، و در این باره سخن به درازا کشید تا اینکه حضرت آدم (علیه السلام) به آنها رو کرد و فرمود: فرزندانم! آنچه شما گفتید هیچ کدام درست نیست، وقتی که خداوند مرا آفرید و روحش را در کالبد من دمید، برخاستم و نشستم و به عرش پروردگار نگاه کردم، ((پنج نور)) که در نهایت عزت و زیبایی و شکوه و جلال بودند دیدم به گونه ای که مرا غرق انوار و درخشش خود کرده بودند.

عرض کردم: پروردگارا! اینها چه کسانی هستند؟ فرمود: اینها بهترین مخلوقات من و بابهای رحمت من و واسطه های بین من و خلق من هستند، اگر اینها نبودند زمین و آسمان و بهشت و دوزخ و خورشید و ماه را نمی آفریدم.

گفتم: خدایا نام اینها چیست؟ فرمود: به عرش بنگر!
وقتی که نگاه کردم این نامهای پاک را دیدم: ((فار قلیطا)) (محمد (صلی الله علیه و آله و سلم))، ((ایلیا)) (علی (علیه السلام))، ((طیبه)) (فاطمه (علیها السلام))، ((شیر)) (حسن (علیه السلام)) و ((شیر)) (حسین (علیه السلام)) ای خلایق من! مرا تهلیل و تسیح کنید، خدای یکتا جز من نیست و محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) رسول من است. (۱۱۸)

مقصود از نور علی نور چیست؟

موسی بن قاسم از علی بن جعفر روایت کرده است که از حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) درباره این آیه
کمشکاة فیها مصباح، المصباح فی زجاجة. (۱۱۹)
پرسیدم، فرمود: مقصود از ((مشکاة)) فاطمه (علیها السلام) و ((مصباح)) حسن (علیه السلام) و ((زجاجة))، حسین (علیه السلام) است.

((کوکب دری)) فاطمه (علیها السلام) است که در بین زنان جهان مثل ستاره درخشان می باشد، ((شجره مبارکه)) ابراهیم است که (نه شرقی است و نه غربی) نه یهودی است و نه نصرانی، ((روغن چراغ)) آن که نور می دهد علم است که از آن ظاهر می شود و بدان سخن می گوید: و مقصود از ((نور علی نور)) در وجود حضرت فاطمه (علیها السلام) امامانی هستند که یکی پس از دیگری می آیند، خداوند به نورش هر که را بخواهد هدایت می کند، یعنی به ولایت ما هدایت می کند. (۱۲۰)

مقام فاطمه (علیها السلام) در بهشت

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: حضرت فاطمه (علیها السلام) می فرماید:
بعد از وفات پدر بزرگوارم شبی در عالم رؤ یا دیدم که گویا پدر به سویم متوجه شد از خود بی اختیار شدم فریاد زدم: ((یا ایتاه))، یا رسول الله))، بعد از تو اخبار آسمان و وحی خداوند رحمان از خانه ما قطع شد در این حال صفهای ملائکه در جلوی روی من نمودار شد دو ملک مرا به آسمان بلند کردند، در این وقت سر برداشتم دیدم قصرهای بلند و نهرهای جاری، چنانکه وصف آن نتوان کرد، در این حال حوریان بهشتی مرا استقبال کردند و به قدم من یکدیگر را بشارت می دادند و تبسم می نمودند و می گفتند: مرحبا به کسی که بهشت برای او خلق شده و ما را خدا برای پدرش خلق کرده، از آنجا ملائکه مرا داخل قصری بردند که در آن غرفه

هایی بود که هیچ چشمی ندیده و وصف آن را فرشتهای سندس، و استبرق و حریر و دیباچ محال است... و چندان از الوان طعامها در ظرفهای طلا و نقره و مائده های گوناگون و نهرهای جاری از شیر سفیدتر و از مشک خوشبوتر نمودار بود که وصف آنها ممکن نبود. (۱۲۱)

زنان مورد شفاعت فاطمه (علیها السلام)

قال رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم):
فائما امرأة صلت فی الیوم و اللیلة خمس صلوات، و صامت شهر رمضان، و حجت بیت الله الحرام و زکت مالها، و اطاعت زوجها، و والت علیا بعدی دخلت الجنة بشفاعت ابنتی فاطمة و ائنها لسيدة نساء العالمین
پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در حدیثی فرمودند:
هر زنی که نمازهای پنج گانه شبانه را بخواند و ماه رمضان را روزه بگیرد و حج خانه با حرمت خدا را به جا آورد و زکات مالش را بپردازد و از همسرش فرمان برد و پس از من پیرو علی (علیه السلام) باشد با شفاعت دخترم به بهشت در آید به راستی که او خاتون زنان جهانیان است. (۱۲۲)

لباس بهشتی فاطمه (علیها السلام)

در بحار از ((خراج)) نقل می فرماید:
روایت شده که یهود عروسی داشتند. آمدند خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و عرض کردند: ما حق جوار و همسایگی با شما داریم، از شما تقاضا می کنیم که دخترت فاطمه (علیها السلام) را به این عروسی ما بفرستید تا اینکه مزید عیش ما شود و بر این مطلب خیلی اصرار کردند. حضرت فرمودند: فاطمه زوجه علی بن ابیطالب است و به فرمان اوست. یهود از حضرت رسول در خواست کردند که شفاعت بفرماید نزد علی. از طرفی یهود تمام اسباب عیش را از حلی و خلل آراسته بودند و گمان می کردند اینکه فاطمه (علیها السلام) با لباسهای کهنه و مندرس به عروسی می آیند و می خواستند با این کار آن را خفت بدهند.
ناگاه جبرئیل نازل شد و جامعه های بهشتی آورد، پس صدیقه طاهره جامعه لباس بهشتی را پوشید و زینت کرد. وقتی که وارد مجلس آنان شد تعجب کردند از لباسها و زینت و بوهای آن حضرت.
چون حضرت زهراء (علیها السلام) داخل شد به خانه یهود، زنان یهود به سجده افتادند و به سبب دیدن آن حضرت عده زیادی اسلام آوردند و مسلمان شدند. (۱۲۳)

فاطمه (علیها السلام) سزاوارترین زنان

زنی خدمت امام صادق (علیه السلام) رسید و عرض کرد: من زنی بی همسر هستم.

امام فرمودند: منظورت چیست؟

عرض کرد: ازدواج نمی کنم و از آن دوری می نمایم، و با این کار می خواهم به مقام عالی معنوی برسم.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند:

از این عقیده دست بردار، هرگز ترک ازدواج موجب وصول به مقامات عالی معنوی نیست، اگر انسان با ترک ازدواج به چنین مقامی می رسید حضرت فاطمه (علیها السلام) سزاوارتر از تو بود که ترک ازدواج کند. چرا که هیچ کس در وصول به کمالات معنوی از فاطمه (علیها السلام) پیشی نگرفته است. (۱۲۴)

فاطمه (علیها السلام) حوریه ای انسان نما

امام باقر (علیه السلام) از پدران بزرگوارش نقل می فرمایند که: فاطمه (علیها السلام) به جهت طاهره نامیده شده است، از جمله اینکه هرگز خون حیض و نفاس ندید. (۱۲۵)

امام صادق (علیه السلام) فرمود: خداوند تا زمانی که فرمانی که فاطمه (علیها السلام) زنده بود، زنان را بر علی (علیه السلام) حرام کرد، زیرا او زن پاکیزه ای بود که حیض نمی دید. (۱۲۶)

اسماء بنت عمیس گفت: در یکی از زایمانهای فاطمه (علیها السلام) حضور داشتم، هنگامی که وضع حمل کرد، خونی ندیدم. به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) عرض کردم: یا رسول الله فاطمه زایمان کرد، ولی از او خونی ندیدم؟ فرمود: اسماء فاطمه (علیها السلام) حوریه است که به شکل انسان آفریده شده است. (۱۲۷)

فاطمه (علیها السلام) تمام حقیقت زن

امام خمینی (رحمة الله علیه) درباره حضرت فاطمه زهراء (علیها السلام) می فرمایند:

تمام ابعادی که برای زن و برای یک انسان متصور است، در فاطمه زهراء (علیها السلام) جلوه کرده است. یک زن معمولی نبوده است، یک زن روحانی، یک زن ملکوتی، یک انسان به تمام معنا انسان، تمام نسخه انسانیت، تمام حقیقت زن، تمام حقیقت انسان.

او زن معمولی نیست. او موجودی ملکوتی است که در عالم به صورت انسان ظاهر شده است، بلکه موجودی الهی و جبروتی که در صورت یک زن ظاهر شده است. (۱۲۸)

فاطمه (علیها السلام) حقیقت لیلۃ القدر

مردی نصرانی به خدمت امام موسی کاظم (علیه السلام) شرفیاب شد و در بین سؤالات متعددی که بیان داشت، تفسیر باطن آیات اول سوره دخان را جویا شد.
حم و الکتب المبین انا انزلنه فی الیلة میرکة انا کنا منذرین فیها یفرق کل امر حکیم حم، سوگند به این کتاب روشنگر که ما آن را در شبی پر برکت نازل کردیم، ماهمواره انذار کننده بوده ایم در آن شب هر امری بر اساس حکمت الهی تدبیر و جدا می گردد. (۱۲۹)
امام در پاسخ فرمود: امام ((حم)) محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) است و ((کتاب مبین)) علی (علیه السلام) می باشد و اما ((اللیلة)) فاطمه (علیها السلام) می باشد. (۱۳۰)

مصحف فاطمه (علیها السلام)

ابوبصیر می گوید: از امام محمد باقر (علیه السلام) در مورد مصحف پرسیدم، فرمود: مطالبی است که پس از در گذشت پدرش، حضرت رسول بر ایشان نازل شد.
گفتم: آیا از قرآن چیزی در آن هست؟ فرمود: چیزی از قرآن در آن نیست. عرض کردم: آن را برایم توصیف فرمایید! فرمود: آن دارای دو جلد از جنس زبرجد قرمز است و به اندازه طول و عرض یک برگ می باشد. عرض کردم: ورقه و برگ آن از چیست؟ فرمود: از در سفید که با گفتن کلمه ((کن)) به وجود آمده است. عرض کردم: چه چیزی در آن نوشته شده است؟ فرمود: اخبار آنچه تا به حال بوده است و آنچه که تا روز قیامت خواهد بود و اخبار هر یک از آسمانها و تعداد فرشتگان هر یک از آنها، نامهای فرستادگان خدا از انبیای مرسل و غیر مرسل و اقوامی که اینان بر آنها مبعوث شده اند.
اسامی مخالفان و گروندگان به آنها، اسامی تمام مؤمنان و کافران از آغاز تا پایان آفرینش، نامهای هر شهر و آمار کافران... اسامی همه آفریدگان و مدت عمر آنها، تعداد کسانی که وارد بهشت می شوند. تعداد جهنمیان و نامهای هر یک از آن دو گروه و نیز علم قرآن به همان گونه که نازل شده و همچنین علم تورات و انجیل و زبور به همان ترتیب نزول و تعداد درختان و سنگریزه های هر شهر و دیار وجود دارد.
حضرت باقر (علیه السلام) فرمود: خداوند این مصحف را توسط جبرائیل، میکائیل و اسرافیل نزد آن حضرت فرستاد. این نزول در ثلث دوم شب جمعه در هنگامی که حضرت در محراب خود به نماز ایستاده بود واقع شد.
فرشتگان پس از اتمام نماز از حضرت به او سلام کردند و گفتند: خداوند به تو سلام می رساند و سپس مصحف را در دامان آن حضرت گذاشتند، حضرت فرمود: سلام مخصوص خداوند و از سوی او و به سوی اوست و بر شما ای فرشتگان خدا سلام و سلامتی باد. آنگاه فرشتگان به آسمان رفتند، حضرت پس از نماز صبح تا سر ظهر مشغول خواندن و مطالعه آن بود تا اینکه به آخرش رسید. راوی می گوید: عرض کردم: فدایتان شوم، پس از آن حضرت، این مصحف به چه کس منتقل شد؟ فرمود: آن را به علی (علیه السلام) داد و پس از شهادت علی (علیه السلام) به امام حسن (علیه السلام) و بعد به امام حسین (علیه السلام) و بعد نزد اهلیش باقی می ماند تا اینکه به صاحب این امر واگذار کند. عرض کردم:
این علم بسیار زیاد است!! فرمود: ای ابا محمد! آنچه را که من به تو گفتم، دو برگ اول آن بود و مطالب پس از ورقه دوم را برای تو نگفتم و حتی یک حرف از آن را هم بازگو نکردم. (۱۳۱)

پوشش از نامحرم

عمران بن حصین می گوید:
روزی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به من فرمود: با من به دیدن فاطمه (علیها السلام) نمی آیی! عرض کردم: چرا یا رسول الله! مایل به دیدار او هستم. با هم به طرف منزل فاطمه (علیها السلام) رفتیم. در زدیم و پیامبر از فاطمه رخصت خواست و فاطمه (علیها السلام) اجازه ورود داد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: آیا با کسی که همراه من است داخل شوم؟ فاطمه (علیها السلام) گفت: جز پارچه ای پشمین وسیله ای برای پوشش و ستر خود ندارم.
رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) دستور پوشش دادند که چنین و چنان خود را بیوشان تا وارد شویم. فاطمه (علیها السلام) عرض کرد: چیزی که سرم را بیوشاند ندارم، پیامبر پارچه ای که به همراه داشت، فرمود: با این پارچه سرت را بیوشان. پس فاطمه (علیها السلام) خود را پوشاند و ما وارد شدیم. (۱۳۲)

نور تبسم فاطمه (علیها السلام)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:
در آن هنگام که بهشتیان در بهشت برخوردار از نعمت و دوزخیان در آتش گرفتار عذابند، برای بهشتیان نوری می درخشد، از یکدیگر می پرسند: این نور چیست؟ شاید پروردگار با عزت و اقتدار بر ما توجه فرموده و به ما نظر افکنده است؟! رضوان (فرشته نگهبان بهشت) به آنان می گوید: نه علی (علیه السلام) با فاطمه (علیها السلام) مزاحی کرده و او (فاطمه لبخند زده است، این نور از بین دندانهای او درخشیده است. (۱۳۳)

۱- کلیات اشعار فارسی اقبال الاهوری: ص ۱۰۳

۲- زندگانی چهارده معصوم، ص ۲۲۸

۳- فاطمه زهراء شادمانی دل پیامبر، / به نقل از کشف الغمه: ج ۱، ص ۵۰۶

۴- جواهر، ج ۴۱ ص ۴۲۷

۵- بحار، ج ۵۲، ص ۲۸۶

۷-بحارالانوار؛ ج ۲۲، ص ۳۵۲ / عوالم العلوم: ج ۱۱، ص ۲۵۸.

۸-فاطمه زهراء شادمانی پیامبر: ص ۸۳۰

۹-فاطمه زهراء شادمانی دل پیامبر: ص ۸۲۹، / به نقل از بحارالانوار: ج ۸، ص ۵۱.

۱۰-صحیفه نور: ج ۱۹، ص ۲۷۹ - ۲۷۸

۱۱-فاطمه زهراء شادمانی دل پیامبر: ص ۹۶، / به نقل از عیقات الانوار: حدیث سفینه، ص ۱۰۸۱.

۱۲-ص / ۷۵ (((آیا تکبر کردی یا از برترینها بودی؟ (برتر از اینکه فرمان سجود به تو داده شود!))

۱۳-فاطمه زهراء شادمانی دل پیامبر: ص ۸۲ - ۸۱ / تاءویل الایات: ج ۲، ص ۵۰.

۱۴-آل عمران / ۵۹ ((مثل عیسی در نزد خدا، همچون آدم است؛ که او را از خاک آفرید، و سپس به او فرمود: ((موجود باش)) او هم فوراً موجود شد (بنابر این، ولادت مسح بدون پدر، هرگز دلیل بر الوهیت او نیست.))

۱۵-آل عمران / ۶۱ به آنها بگو: ((بیاید مافرزندان خود را دعوت کنیم، شما هم فرزندان خود را، ما زنان خویش را دعوت نمایم، شما هم زنان خود را، ما از نفوس خود دعوت کنیم، شما هم از نفوس خود، آنگاه مباهله کنیم، و لعنت خدا بر دروغگویان قرار دهیم.))

۱۶-نجران شهری در جزیره العرب که بین حجاز و یمن واقع است.

۱۷-فاطمه زهراء از ولایت تا شهادت: ص ۲۰۶

۱۸-احزاب / ۳۳ ((خدا چنین می خواهد که رجس هر آرایش را از شما خانواده نبوت ببرد و شما را از هر عیب پاک و منزّه گرداند))

۱۹-فاطمه زهراء از ولایت تا شهادت، ص ۱۱۱

۲۰-فاطمه الزهراء من المهد الی اللحد: ص ۶۶.

۲۱-فاطمه زهراء از ولادت تا شهادت: ص ۱۲۰

۲۲-زندگی حضرت فاطمه و دختران: ص ۲۷

۲۳-فاطمه زهراء از ولادت تا شهادت: ص ۲۲۳.

۲۴-فاطمه زهراء شادمانی دل پیامبر: ص ۴۵۱ / به نقل از: بحارالانوار: ج ۴۴، ص ۳۹۲.

۲۵-فاطمه زهراء از ولادت تا شهادت: ص ۶۵.

۲۶-فاطمه زهراء شادمانی دل پیامبر: ص ۳۷۸ / به نقل از بحار: ۴۳، ص ۹۲ - ۹۱

۲۷-کوثر / ۱. ((ما به تو کوثر (خیر و برکت فراوان) عطا کردیم!))

۲۸-قدر / ۱. ((ما آن (قرآن) را در شب قدر نازل کردیم!))

۲۹-احزاب / ۳۳((خداوند فقط می خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد.))

۳۰-فروغ ابدیت: ص ۵۲۷

۳۱-شوری / ۲۳. ((بگو: من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی کنم جز دوست داشتن نزدیکانم (اهل بیت)).))

۳۲-حشر / ۹. ((و آنها را بر خود مقدم می دارند هر چند خودشان بسیار نیازمند باشند.))

۳۳-انسان / ۸. ((و غذای (خود) را با اینکه به آن علاقه (و نیاز) دارند، به ((مسکین)) و ((یتیم)) و ((اسیر)) می دهند!))

۳۴-احزاب / ۳۳.

۳۵-آل عمران / ۹۲ ((هرگز به (حقیقت) نیکوکاری نمی رسید مگر اینکه از آنچه دوست می دارید، (در راه خدا) انفاق کنید.))

۳۶-الرحمن / ۱۹.

۳۷-فرقان / ۷۴. ((و کسانی که می گویند: ((پروردگار!)) از همسران و فرزندانمان مایه روشنی چشم ما قرار ده، و ما را برای

پرهیزگاران پیشوا گردان!))

۳۸-سجده / ۱۶

۳۹-فاطمه زهراء شادمانی دل پیامبر: ص ۱۰۸، به نقل از بحار: ج، ۲۲ ص ۴۹۱.

۴۰-بحار الانوار: ج ۶۶، ص ۱۷۷ / ریاحین الشریعه: ج ۱.

۴۱-بحارالانوار: ج ۲۷، ص ۵

۴۲-زندگی فاطمه زهراء: ص ۸۶.

۴۳-لسان المیزان: ج ۳، ص ۳۴۵.

۴۴-ضحی / ۵

۴۵-ناسخ التواریخ: ص ۱۴۵

۴۶-ریحانه خانه وحی: ص ۳۰۰ / فاطمة الزهراء: ص ۴۵.

۴۷-فاطمه زهراء شادمانی دل پیامبر: ص ۱۵۲.

۴۸-دلایل الامامة طبری: ص ۱، / سفینه البحار محدث قمی: ج ۱، ص ۲۲۹.

۴۹-فاطمه زهراء شادمانی دل پیامبر: ص ۱۱۹ / به نقل از فرائد السطین: ج ۲، ص ۶۷.

۵۰-معالی السبطین: ج ۱ ص ۴۵۲

۵۱-زخرف / ۸۹

۵۲-زمر / ۳۷

۵۳-فصلت / ۴۴.

۵۴-فصلت / ۴۴

۵۵-آل عمران / ۹۷

۵۶-ق / ۲۸

۵۷-انبیاء / ۸.

۵۸-یقره / ۲۸۶.

۵۹-انبیاء / ۲۲

- ۶۰- زخرف / ۱۳
- ۶۱- ص / ۲۸
- ۶۲- آل عمران / ۱۴۴
- ۶۳- مریم / ۱۲
- ۶۴- قصص / ۳۰
- ۶۵- کهف / ۴۶
- ۶۶- قصص / ۲۶
- ۶۷- بقره / ۲۶۱
- ۶۸- فاطمه زهراء از ولادت تا شهادت: ص ۶۲۸.
- ۶۹- کافی: ج ۶، ص ۳۶۷، منتهی الامال: ج ۱.
- ۷۰- دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۱۱۳
- ۷۱- کافی، ج ۶، ص ۳۶۷
- ۷۲- مکارم الاخلاق، ص ۲۰۵
- ۷۳- دور نمایی از طب اسلامی، ص ۱۱۶ - ۱۱۵.
- ۷۴- احزاب / ۵۶. (خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستد، ای کسانی که ایمان آورده اید، بر او درود فرستید و سلام گوید و کاملا تسلیم (فرمان او) باشید.))
- ۷۵- بنایب الموده ص ۲۹۵.
- ۷۶- فاطمه زهراء شادمانی دل پیامبر ص ۹۸
- ۷۷- یکی از بزرگترین عرفاء و اهل سیر و سلوک است که شاگردان بسیار تربیت کرده است.
- ۷۸- چشمه در بستر، آقایی، ص ۲۵۶.
- ۷۹- فاطمه زهراء از ولادت تا شهادت: ص ۶۲۷.
- ۸۰- فرهنگ سخنان فاطمه زهراء (علیها السلام): ص ۱۶۸، / به نقل از: بحالانوار: ج ۶۵، ص ۱۵۵.
- ۸۱- فاطمه زهراء از ولادت تا شهادت: ص ۶۲۹.
- ۸۲- ((کلمه طیبه)) (و گفتار پاکیزه) را به درخت پاکیزه ای تشبیه کرده که ریشه آن (در زمین) ثابت، و شاخه آن در آسمان است؟!
- ۸۳- سرگذشت‌های پنج تن آل عبا: ص ۷۹.
- ۸۴- فاطمه زهراء شادمانی دل پیامبر: ص ۱۱۲. / به نقل از کافی: ج ۱، ص ۲۶۰.
- ۸۵- چهارده معصوم: ص ۳۰۶.
- ۸۶- منتهی الامال: ج ۱، ص ۲۹۲.
- ۸۷- ریحانه خانه و حی: ص ۲۸.
- ۸۸- تفسیر برهان: ج ۴ ص ۴۷۸.
- ۸۹- خوارزمی: ج ۱ ص ۶۰
- ۹۰- بحارالانوار: ج ۲۲، ص ۴۳.
- ۹۱- فاطمه زهراء شادمانی دل پیامبر: ص ۳۸۶، / به نقل از شرح نهج البلاغه: ج ۱۶، ص ۲۱۱.
- ۹۲- مجمع البیان: ج ۵ ص ۲۲، / کشف زمخشری: ج ۳، ص ۲۵.
- ۹۳- بحارالانوار: ج ۴۳، ص ۶۳
- ۹۴- فاطمه زهراء از ولایت تا شهادت: ص ۲۳۸.
- ۹۵- بحارالانوار: ج ۴۳، ص ۵۶.
- ۹۶- بحارالانوار: ج ۴۳، ص ۷۳.
- ۹۷- بحارالانوار: ج ۲، ص ۸.
- ۹۸- بحارالانوار: ج ۴۳، ص ۸، / عوالم المعارف: ج ۷، ص ۷ - ۶.
- ۹۹- رنجه و فریادهای فاطمه: ص ۲۵، ترجمه بیت الاحزان.
- ۱۰۰- رنجه و فریادهای فاطمه: ص ۴۷ / ترجمه بیت الاحزان.
- ۱۰۱- تاسخ التواریخ: ج ۱، ص ۹۸ - ۹۹.
- ۱۰۲- فاطمه زهراء شادمانی دل پیامبر: ص ۶۱۶ / به نقل از تاریخ بغداد: ج ۴، ص ۲۱۰.
- ۱۰۳- فاطمه زهراء از ولادت تا شهادت: ص ۱۲
- ۱۰۴- شوری / ۲۳.
- ۱۰۵- فاطمه زهراء شادمانی دل پیامبر: ص ۶۹، به نقل از تفسیر کشف: ج ۲، ص ۴۶۷.
- ۱۰۶- محجة البیضاء: ج ۴، ص ۲۱۰
- ۱۰۷- رنجه و فریادهای فاطمه: ص ۳۵، / ترجمه بیت الاحزان - محمد محمدی اشتهاردی
- ۱۰۸- فضائل و کمالات فاطمه زهراء: ص ۵۲.
- ۱۰۹- فاطمه زهراء از ولادت تا شهادت: ص ۲۴۱.
- ۱۱۰- ریحانه خانه وحی: ص ۲۹۵، / به نقل از: شواهد التزیل.
- ۱۱۱- فاطمه زهراء از ولایت تا شهادت ص ۱۷۹
- ۱۱۲- زمر / ۶۵
- ۱۱۳- انبیاء / ۲۲
- ۱۱۴- فاطمه زهراء شادمانی دل پیامبر: ص ۱۵۹ - ۱۵۸، به نقل از بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۴۳.
- ۱۱۵- مناقب: ج ۲، ص ۲۳۰
- ۱۱۶- بانوی نمونه اسلام: ص ۱۰۲، / به نقل از کشف الغمه: ج ۲، ص ۸۹

- ۱۱۷- فضائل الزهراء: ص ۱۰۰
- ۱۱۸- فضایل و کرامات حضرت زهراء: ص ۴۳
- ۱۱۹- نور / ۲۵. (مثل نور خداوند همانند چراغدانی است که در آن چراغی (پرفروغ) باشد.))
- ۱۲۰- فاطمه زهراء شادمانی دل پیامبر: ص ۶۷ / به نقل از: ابن مغازلی، مناقب: ص ۳۱۷
- ۱۲۱- فرهنگ فاطمیه: ص ۳۳۲، / به نقل از فضائل الزهراء: ص ۳۲۴
- ۱۲۲- فرهنگ فاطمیه: ص ۲۶۸.
- ۱۲۳- بحارالانوار: ج ۳۷، ص ۳۰، / به نقل از الخرایج و الجرایع: ج ۱۴، ص ۵۳۸۸
- ۱۲۴- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱۸.
- ۱۲۵- بحارالانوار: ج ۴۳، ص ۱۹، / عوالم العلوم: ج ۱۱، ص ۶۶.
- ۱۲۶- بحارالانوار: ج ۴۳، ص ۱۶ / مناقب آل ابی ابيطالب: ج ۳، ص ۳۳۰.
- ۱۲۷- دلائل الامامة: ص ۵۳ - ۵۵ / بحارالانوار: ج ۷۸، ص ۱۱۲.
- ۱۲۸- صحیفه نور: ج ۶، ص ۱۸۵.
- ۱۲۹- دخان / ۱ الی ۴.
- ۱۳۰- تفسیر برهان: ج ۴، ص ۱۵۸ / اصول کافی: ج ۲، ص ۳۲۶.
- ۱۳۱- فاطمه زهراء شادمانی دل پیامبر: ص ۲۵۱ / به نقل از دلائل الامامة: ص ۲۷ - ۲۸
- ۱۳۲- در مکتب فاطمه: ص ۲۴۶، به نقل از حلیة الاولیاء: ج ۲، ص ۴۲.
- ۱۳۳- فاطمه زهراء شادمانی دل پیامبر: ص ۱۲۹، / به نقل از المقتل (خوارزمی): ص ۷

برگرفته از کتاب «الگوهای رفتاری حضرت زهرا (سلام الله علیها)» نوشته: حلیمه صفری